

کروگان گیری ابرشرکت ها



به روایت
سیدامیرحسین کمالی



بسم الله الرحمن الرحيم

مرکز مطالعات پیشرفت عماد تقدیم می‌کند:

”رویداد روایت حقیقت“

پرونده سوم

دولت و ملت گروگان شرکت های بزرگ

ارائه مهندس سید امیر حسین کمالی



مرکز مطالعات بعثت عماد

زمستان ۱۴۰۳

عنوان جزوه

گروگان گیری ابرشرکت ها

موضوع جزوه

دولت و ملت گروگان ابرشرکت ها
(رویداد روایت حقیقت، پرونده سوم، زمستان ۱۴۰۳)

به روایت

مهندس سیدامیرحسین کمالی تقوی

مدیر هنری

سید علی فقیه

مدیر پروژه

علی رحیمی

تهیه شده در مرکز مطالعات پیشرفت عماد

فهرست

بخش اول:

دولت و ملت گروگان ابرشرکت‌ها _____ ۷

- دستگاه استکبار متشکل از دولت‌های استکباری و کمپانی‌های بزرگ _____ ۹
- ابرشرکت‌ها در نظام توزیع _____ ۱۷
- مال‌ها و مجتمع‌های خرید، معابد مصرف _____ ۱۸
- معرفی بزرگ‌ترین کمپانی‌های دنیا _____ ۱۹
- دشمن شناسی، معیاری برای سنجش درستی الگوهای تمدنی _____ ۲۳
- ابرشرکت‌های ایران _____ ۲۴
- پیدایش خانواده‌های ابرسرمایه‌دار به واسطه ساختار شرکت‌سالاری _____ ۲۹
- مالی‌سازی و سوداگری زمین توسط ابرشرکت‌ها _____ ۳۲
- شرکت میهن، ابرشرکتی با چهره‌های متفاوت _____ ۳۴
- تغییر آمایش نیروی کار توسط تاکسی‌های اینترنتی _____ ۳۵

بخش دوم:

تولید به سبک ۴۳؛ راه‌رهایی از گروگان‌ها _____ ۳۹

- رفع غل و زنجیرهای رشد مردم، مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی _____ ۴۰
- اصل ۴۳ قانون اساسی، دکترین اقتصادی کشور _____ ۴۱
- کلای بادوام محصول تولید به سبک ۴۳ _____ ۴۵
- بسترسازی برای رشد مردم از طریق ایجاد نهادهای اغلال زدا _____ ۵۰
- ضرورت تبیین مدل‌های اقتصادی اسلامی در برابر مدل‌های غربی و شرقی _____ ۵۲
- اصلی‌ترین چالش‌های اجرایی الگوی تولید به سبک ۴۳ _____ ۶۴



بَخش اول:

دولت و ملت گروگان ابرشرکت‌ها



بسم الله الرحمن الرحيم

برای شادی روح امام بزرگوارمان، شادی روح شهید حسن باقری و شهید مرتضی جاویدی، صلواتی تقدیم کنید. (صلوات حضار)

آیا کسی در این جمع هست که **شهید مرتضی جاویدی** را بشناسد؟ شهید مرتضی جاویدی، یکی از فرماندهان شایسته گردان‌های استان فارس بود. در عملیات فاو، همراه نیروهایش اولین گردانی بود که وارد منطقه شد. در اواسط جنگ ناگهان دستور داد تمامی ادوات نظامی از جمله خمپاره‌ها تا هر چه موجود است، به سوی کویت شلیک شود! این اقدام ۲۴ ساعت ادامه یافت و سرانجام دولت کویت با مقامات ایرانی تماس گرفت و از ماجرا ابراز شگفتی کرد. آنان تصور می‌کردند به طور تصادفی هدف قرار گرفته‌اند، اما حقیقت دیگری داشت. شهید جاویدی، با درک موقعیت استراتژیک یکی از جزایر کویت که می‌توانست نیروی خودی را قیچی و محاصره کند، این اقدام جسورانه را ترتیب داده بود. در نهایت، صدام مجبور شد عقب‌نشینی کند و بالاخره امنیت آن عملیات برقرار شد. این خبر به امام راحل رسید. امام درخواست کرد که این فرمانده را به حضورش بیاورند. شهید جاویدی می‌خواست دست امام را ببوسد اما امام دستانش را باز کرد و او را بغل کرد و چندین بار شهید جاویدی را به سینه‌اش فشرد. می‌گویند تا کنون امام کسی را این چنین در آغوش نگرفته بود.

چنین وقایعی نشان می‌دهد که فهم دقیق از خواسته‌های امامین انقلاب، ایمان به مسیر، و جسارت در عمل تا چه اندازه ضروری است. اگر ما دانشی عمیق درباره ماهیت استکبار جهانی داشته باشیم و شجاعانه عمل کنیم، می‌توانیم آرمان‌های انقلاب را به نحو شایسته‌ای محقق کنیم.

بحث امروز ما دو جنبه دارد. در بخش اول، قصد دارم به مفهوم «ابشرکت‌ها» بپردازم. در بحث به اینکه چگونه ملت‌ها و دولت‌ها از سوی تعداد محدودی



کمپانی غول‌آسا تحت استثمار قرار گرفته‌اند. خواهیم گفت که شرکت‌ها منابع انسانی و طبیعی کشورها را چپاول می‌کنند و بزرگ‌ترین منفعت نصیب خودشان می‌شود، در حالی که کمترین بهره برای مردم باقی می‌ماند. در بخش دوم، در قالب طرح‌های پیشنهادی خودمان وارد بحث خواهیم شد. اینکه در مواجهه با این نظام متمرکز جهانی که حتی آمریکا نیز تحت نفوذ آن است چه باید کرد؟ چگونه می‌توانیم الگویی جایگزین طراحی کنیم؟

■ دستگاه استکبار متشکل از دولت‌های استکباری و کمپانی‌های بزرگ

فردای روز خاکسپاری شهید حاج قاسم سلیمانی، مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم به مناسبت واقعه ۱۹ دی ۱۳۵۶، سخنانی را بیان نمودند که جالب توجه است، مخصوصاً با توجه به اینکه این سخنرانی در آن شرایط عاطفی شهادت حاج قاسم ایراد شد و همه مردم می‌خواستند بدانند که موضع رهبری در رابطه با شهادت شهید سلیمانی و قاتل ایشان چیست و چه نظری درباره انتقام دارند. ایشان در این سخنرانی به نکته خیلی مهمی اشاره می‌کنند که ما وقتی در این جلسه آن را شرح دادیم، متوجه خواهید شد که در واقع قاتل حاج قاسم همین کمپانی‌های بزرگ و غارتگران دنیا هستند که این شهید بزرگوار جلوی منافعشان ایستاد.

رهبری می‌فرماید:

«دشمن را بشناسیم. من این را به طور قاطع می‌گویم: دشمن عبارت است از آمریکا، رژیم صهیونیستی و دستگاه استکبار؛ دستگاه استکبار فقط آمریکا نیست، فقط دولت‌ها نیستند؛ یک مجموعه‌ای از کمپانی‌ها و غارتگران دنیا و ستمکاران دنیا و مانند این‌ها [هستند] که با هر مرکزی که با ستم و غارتگری مخالف باشد مخالفند؛ دشمن



این‌ها هستند.^۱

همین‌طور رهبری در عید مبعث امسال هم جمل‌های با همین مضمون دارند که قابل توجه است. در این سخنرانی ایشان تأکید می‌کنند که حتی شرکت‌های بزرگ بر خود آمریکا هم سلطه پیدا کرده‌اند:

«ما امروز دچار هر سه مرحله‌ی استعماریم. امروز هم دستگاه‌های قدرت زورمند شیطانی عالم، هم به منابع طبیعی کشورها و ملت‌ها چشم دارند و نظر سوء دارند، هم به فرهنگ اصیل آن‌ها، هم به هویت ملی و اسلامی آن‌ها نظر دارند و درصدد تخریب این‌ها، درصدد تصرف این‌ها هستند. البته همه یک جور نیستند؛ در رأس این‌ها آمریکا است. امروز آن توصیفی که ما برای استعمار و استکبار می‌کنیم، مصداق اتمّش دولت آمریکا است که زیر نفوذ قدرتمندان مالی دنیا است؛ یعنی امروز قدرتمندان درجه‌ی یک مالی دنیا بر تعدادی از حکومت‌های غربی - که از جمله‌ی آن‌ها و شاید هم بیشترین آن‌ها دولت آمریکا است - مسلّطند؛ به تعبیر رایج خودشان، کارتل‌ها و تراست‌ها و امثال این‌ها مسلّطند و نقشه‌ی هر سه مرحله‌ی استعمار را این‌ها دارند می‌کشند. اینکه می‌بینید هر روزی یک سوغات تازه‌ی عملی در زمینه‌های بشری، در زمینه‌های جنسی، در زمینه‌های مالی، پی‌درپی بروز می‌کند، ناشی از این است؛ [یعنی] همین تغییر هویت ملت‌ها، تغییر مصالح ملت‌ها و کشاندن آن‌ها به سمت خودشان».^۲

^۱ بیانات در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

^۲ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴۰۳/۱۱/۹



■ شرکت‌های چگونه کشورها را غارت می‌کند

در ادبیات رایج اقتصاد سیاسی اصطلاحی با عنوان «شرکت‌های» یا «Corporatocracy» مطرح است. برای اینکه بهتر مفهوم شرکت‌های را متوجه شویم، شاید بهتر باشد بخشی از سخنرانی جان پرکینز که در اینترنت هم با عنوان «اعترافات یک مزدور اقتصادی»^۳ قابل دسترسی است، پخش کنم. لطفاً به اعترافات این فرد دقت کنید که چگونه بعد از جنگ جهانی دوم در چه نظم نوین جهانی و با چه الگویی منابع ملت‌ها را غارت می‌کنند:

«در اوایل دهه هفتاد، اوپک از کارهایی که توسط ما در اسرائیل انجام می‌شد خوشش نمی‌آمد، بنابراین فروش نفت به ما را قطع کردند. برخی از شما، آن صف‌های طولانی در پمپ بنزین‌ها را به یاد دارید. و ما ترس یک رکود اقتصادی دیگر را داشتیم مانند رکود سال ۱۹۲۹. به همین خاطر از طرف وزارت خزانه‌داری آمریکا، نزد من و یک اقتصاددان دیگر آمدند و گفتند ما نمی‌توانیم بیش از این به اوپک اجازه بدهیم که ما را تحت فشار قرار دهد. شما باید نقشه‌ای طراحی کنید که این اتفاق، دیگر نیفتد. ما می‌دانستیم که نقشه ما باید عربستان سعودی را هم در بر بگیرد، چون بیش از هر کشور دیگری نفت داشت. و همچنین خاندان سلطنتی سعودی فاسد و فساد پذیر بودند. نسخه کامل ماجرا در کتاب توضیح داده شده اما خلاصه آن

^۳ - اعترافات یک جنایتکار اقتصادی» شرح کارنامه پرکینز از زندگی حرفه‌ای وی با شرکت‌های مختلف است. به گفته پرکینز، کار او در این شرکت متقاعد کردن رهبران کشورهای توسعه نیافته برای پذیرش وام‌های قابل توجه توسعه برای پروژه‌های بزرگ ساختمانی و مهندسی بود. با اطمینان از انعقاد قرارداد این پروژه‌ها با شرکت‌های آمریکایی، این وام‌ها نفوذ سیاسی ایالات متحده و دسترسی شرکت‌های آمریکایی به منابع طبیعی را فراهم می‌آورد. اعترافات یک جنایتکار اقتصادی توسط انتشارات اختران ترجمه شده است.



چه که ما انجام دادیم و با خاندان آل سعود به توافق رسیدیم، این بود که آن‌ها می‌بایست تمام درآمد حاصل از فروش نفت را به آمریکا برمی‌گرداندند و آن را در امنیت دولت آمریکا سرمایه‌گذاری می‌کردند. وزارت خزانه‌داری آمریکا از سود حاصل از این سرمایه‌گذاری‌ها که بعد از چند سال به چندین تریلیون دلار می‌رسید، شرکت‌های آمریکایی را استخدام کند تا عربستان را بر اساس الگوهای غربی شکل بدهد. ساخت مجتمع‌های پتروشیمی و کارخانه‌های آب شیرین‌کن، و ایجاد شهرهای تماماً در بیابان، مک دونالد و سایر چیزهایی که با فرهنگ غربی ما هم‌سو بود. خاندان سعودی همچنین پذیرفت که بهای نفت را به اندازه‌ای نگه دارد که برای شرکت‌های نفتی قابل قبول باشد. احتمالاً برای من و شما قابل قبول نیست، اما برای شرکت‌های نفتی، قابل قبول است. این خیلی خیلی مهم است. آن‌ها پذیرفتند که هرگز نفت را در قبال هیچ چیز دیگری به جز دلار آمریکایی مبادله نکنند. این در اوایل دهه هفتاد اتفاق افتاد. درست بعد از اینکه ما معامله بر پایه طلا را رها کردیم. چون ورشکست شده بودیم. ما توانایی پرداخت بدهی‌هایمان را به کشورهای اروپایی، بر مبنای طلا نداشتیم. به همین خاطر نیکسون استاندارد طلا را حذف کرد. ما در موقعیتی گیر کرده بودیم که همه مردم در جهان باید به جای طلا از دلار آمریکا برای داد و ستد استفاده کنند. خیلی زود ما نقش‌های طراحی کردیم که دلار را معیار سنجش بهای نفت و داد و ستد آن قرار می‌داد. شما نمی‌توانید در تمام جهان نفت بخرید و درازاء آن چیزی به جز دلار آمریکا بپردازید. و این از نظر کوریوتاکراسی، بسیار پراهمیت است. بخش مربوط به ما این بود که پذیرفتیم خاندان آل سعود را در رأس قدرت نگه داریم. این یک توافق شگفت‌انگیز بود. توافق قرن بود. تاریخ ساز بود. توافق



بسیار قدرتمندی که ما با عربستان سعودی بستیم، قراردادی که به گفته سازمان سیا دارای عواقب منفی است و عواقب ناخواست‌های بر راه دارد. مثلاً یکی از چیزهایی که بن لادن را عصبانی می‌کرد محاصره مکه و مدینه توسط مک دونالد و کارخانه‌های پتروشیمی و آب شیرین‌کن بود و همچنین مسلمانان زیادی را در تمام نقاط جهان عصبانی می‌کند. و این‌ها برخی از عواقب منفی قرارداد بود. اما به طور کلی، کورپوتاکراسی به این قرار داد به عنوان یک موفقیت باورنکردنی نگاه می‌کند. من کار خودم را انجام داده بودم و با متفکرین اقتصادی کار بزرگی را انجام دادیم. ما تصمیم گرفتیم که صدام حسین هم یک همچین قراردادی را بپذیرد. احتمالاً خیلی از شما می‌دانید که صدام برای مدت خیلی زیادی آدم ما بود. ممکن است شما عبدالکریم قاسم را به یاد داشته باشید که در اوایل دهه ۶۰ رئیس جمهور عراق بود. قاسم یک باور خیلی ویژه‌ای داشت. او می‌گفت در سود و منفعت نفت عراق باید برای مردم عراق باشد. چه ایده نو و تازه‌ای! اما ما این را خیلی دوست نداشتیم. او شروع کرد به مالیات گرفتن از شرکت‌های نفتی و به طور خاص شرکت نفت بریتانیا و چند شرکت آمریکایی. و همچنین تهدید به ملی کردن شرکت‌های نفتی ما کرد. ما هم تصمیم گرفتیم که او باید برود و سازمان سیا یک تیم آدم‌کش حرفه‌ای به عراق فرستاد. آن تیم توسط یک جوان عراقی که دبیرستانی بود هدایت می‌شد. آن‌ها خودروی قاسم را در خیابانی دیدند و گلوله باران کردند. اما قاسم کشته نشد و سردسته تیم آدم‌کشی زخمی شد و به سوریه فرار کرد. نام او صدام حسین بود. او مأمور سازمان سیا بود. در آن زمان او برای ما آدم‌کشی می‌کرد. صدام در این عملیات موفق نشد! این‌ها همه تاریخ هستند. من این داستان‌ها را خودم نمی‌سازم. بعد سازمان



سیا مستقیم وارد شد و تصاویر کشته شدن قاسم در تلویزیون عراق پخش شد. سیا دایی صدام را در رأس قدرت گذاشتند و صدام شد معاون ریاست جمهوری و مسئول امنیت ملی کشور و در نهایت رئیس جمهور عراق. خب او آدم ما بود. ما تعداد خیلی زیادی تانک و سلاح و کارخانه‌های شیمیایی به او دادیم. پدر همسر معمار آن پروژه را به عهده داشت. ما می‌دانستیم که از آن تجهیزات برای ساخت گاز خردل و دیگر سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌شد. آن‌ها را علیه کردها و ایرانی‌ها استفاده می‌کردند. ما از این مسئله آگاه بودیم اما ما این‌ها را به او می‌فروختیم. و در دهه هشتاد ما تصمیم گرفتیم که صدام حسین هم یک قرارداد مشابه قرارداد با عربستان سعودی را بپذیرد. چون در نهایت، چیزی که ما دنبالش هستیم کنترل خاورمیانه و همچنین کنترل نفت خاورمیانه هست. برای آن دسته از شما که فکر می‌کنید هدف از ایجاد اسرائیل ساخت سرزمین مادری برای یهودیان هست، باید بگویم که شما به اندازه آن‌ها فریب خوردید. شاید اندکی به این دلیل هم باشد اما هدف اصلی ساخت یک دژ و قلعه جایگزین در مرکز خاورمیانه هست. از اسرائیلی‌ها مانند مانند گوسفندهایی که در ابتدای ارتش حرکت میکنند استفاده می‌شود (مانند ارتش‌های قدیمی)، آن‌ها دژ هستند و رهبران اروپایی این را می‌دانند اما بیشتر اسرائیلی‌ها نمی‌دانند. آن‌ها فکر می‌کنند که هدف، ساخت سرزمین مادری آن‌ها بوده است. این موقعیت بسیار بسیار انگیزی است و لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها، در مرکز این مسئله هستند و عراق هم بخشی از آن. ما باید به یاد داشته باشیم که نفت خاورمیانه توسط اروپا و چین و ژاپن استفاده می‌شود. اگر ما خاورمیانه و نفت را کنترل کنیم درواقع

بزرگترین رقبای خود یعنی ژاپن و چین و اروپا را کنترل می‌کنیم.^۴

استعمار دولت‌ها و ملت‌ها توسط استکبار جهانی، علاوه بر اینکه ناظر به بدست آوردن منابع و معادن رایگان و ارزان برای تأمین مواد اولیه کمپانی‌های بزرگشان است، به دنبال تأمین نیروی کار ارزان این ملت‌هاست. و از طرفی به دنبال بازار مصرف نامحدود هستند. این برنامه ابرشرکت‌هاست. حالا قصد داریم کمی در رابطه با اندازه و قد و قواره این ابرشرکت‌ها صحبت کنیم و درک کنیم که وقتی می‌گوییم خود آمریکا هم زیر سلطه آن‌هاست یعنی چه.

■ معرفی بزرگ‌ترین کمپانی‌های دنیا

به عنوان مثال Berkshire Hathaway بزرگترین هولدینگ جهان است که در صنعت سرمایه‌گذاری و بیمه فعالیت می‌کند. نزدیک به ۶۰ سال، وارن باف مدیریت عامل این شرکت را بر عهده دارد و به عنوان یکی از غول‌های بزرگ بیمه و انرژی و حمل و نقل فعالیت می‌کند.



^۴ - ادامه فیلم در آپارات با عنوان اعترافات یک مزدور اقتصادی قابل مشاهده است.



شرکت بعدی BlackRock است. لری فینک، تمام اسلحه‌هایی آمریکا که در مدت جنگ اوکراین، به این کشور داده را تأمین کرده است. ارزش دارایی‌های این شرکت تقریباً ۴۰ برابر دارایی ایلان ماسک است! چرا هیچ کس این را نمی‌شناسد؟ این ابرشرکت‌ها و غول‌های بزرگ، معمولاً در پشت پرده تمام این ساختارها پنهان‌اند و خودشان نمی‌خواهند که اصلاً شناخته بشوند. ۹ تریلیون دلار، ۹ هزار میلیارد دلار ارزش دارایی این شرکت است!

شرکت Vanguard Group این هم یکی از بزرگترین هولدینگ‌های جهان و از بزرگترین شرکت‌های حوزه تکنولوژی است.

شما اپل، آمازون، آلفابت و مایکروسافت را بیشتر می‌شناسید. این‌ها هم تقریباً به تمام روابط ما و به تمام ابزاری که در ۶۰ سال گذشته انسان به وسیله آن تولید می‌کند، می‌خرد، می‌فروشد، زندگی می‌کند و آموزش می‌بیند تسلط کامل دارند و وقتی که تسلط دارند یعنی جهت‌دهی می‌کنند. یعنی کل دنیا را این‌ها دارند جهت می‌دهند.

بزرگترین شرکت‌های اسلحه‌سازی جهان مانند Lockheed Martin و... تولیدشان متوقف نشده و جای مصرفش هم بیشتر در خاورمیانه و قاره آفریقا است. و الآن خاورمیانه انبار تسلیحاتی تمامی این شرکت‌های اسلحه‌سازی است.

همین‌طور شرکت‌های بزرگ حوزه نفت و گاز که از بین آن‌ها، آرامکو عربستان اولین رتبه از نظر ارزش را داراست که ماجرای آن را از زبان جان پرکینز به شما گفتیم که خانواده فاسد سعودی را راضی کردند که در ازای وام، به آمریکایی کردن عربستان مشغول بشوند؛ که در قالب تأسیس مجتمع‌های پتروشیمی، شهرک‌های صنعتی و... پیاده شد. من توصیه می‌کنم حتماً گفته‌های جان پرکینز را در اینترنت یا کتابش مطالعه کنید تا عمق موضوع برای شما قابل درک شود.

دقیقاً با همین الگو، ۴۵ سال هست که یک سری جوجه غول‌ها در ایران درست



شده‌اند. اگر بگوییم شرکت‌های بزرگ خارجی غول باشند، این‌ها جوجه غول هستند. این شرکت‌های متمرکز و بزرگی که در ایران هستند، با همان مدل، کشور را اداره می‌کنند و به مقدرات ایران مسلط شدند. **نتیجه‌اش این است که ما الآن در همچنین فشار اقتصادی هستیم و توقع داریم که با عوض شدن یک رئیس جمهور این فشارها تمام شود. در حالی که این طوری نیست. این‌ها کاملاً روی تمام منابع ما و مقدرات کشور و انفال تسلط دارند و به غارت انفال می‌پردازند.**

شرکت‌های مواد غذایی جهان که یکی از مهم‌ترین کالاهایی که می‌تواند روی سبک زندگی و سلامت جامعه تأثیر بگذارد را با نگاه سوداگرانه و سود محور تولید و عرضه می‌کنند، جز بزرگترین کارخانه‌های دنیا هستند. این که کارخانه‌های آن‌ها بزرگ است به این دلیل است که دانش و تجهیزاتی که بیشتر برای طراحی آن سرمایه‌گذاری می‌شود و در جریان اصلی علم و تکنولوژی جهانی قرار دارد، متناسب با مقیاس انبوه تولید و کارخانه‌های بزرگ و متمرکز است. پیامد جهت دادن تکنولوژی به تولید فناوری متناسب با واحدهای تولیدی بزرگ مقیاس این است که دیگر کسانی که قصد دارند با سرمایه کم و در ابعاد کوچک‌تر یک واحد تولیدی راه‌اندازی کنند قدرت رقابت با شرکت‌های بزرگ مقیاس را نداشته باشند. در این رابطه جلوتر مطالبی را ارائه خواهم داد.

■ ابرشرکت‌ها در نظام توزیع

گفتیم یکسری از این ابرشرکت‌ها به دنبال بازار نامحدود فروش هستند چرا که اگر این چرخه تولید بخواند بچرخد باید به همه جهان بفروشند. به همین دلیل قصد دارند همه دنیا را مگا مصرف کنند (مصرف بیش از اندازه). بنابراین تولید انبوه متمرکز که کمپانی‌های بزرگ مبتنی بر آن به وجود آمده‌اند، برای کارآمد شدن خود نیاز به نظام توزیعی دارند که متناسب با الگوی تولید آن‌ها محصولات را عرضه کند.



فروشگاه‌های اینترنتی

پروفرش‌ترین فروشگاه‌های آنلاین دنیا که آمازون و علی‌بابا هستند و اغلب ما آن‌ها را می‌شناسیم، خودشان ابرشرکت‌هایی هستند که بازار کشورها را قبضه کرده‌اند. ذیل شرکت علی‌بابا، **پلتفرم‌های فروش اینترنتی تائوبائو و تیمال** هم هستند. تائوبائو، که جلوتر بیشتر توضیح خواهیم داد، سال گذشته بیش از ۶۵۰ میلیارد دلار، فروش داشته که این رقم نزدیک به آمازون بوده است.

فروشگاه‌های زنجیره‌ای

از بزرگترین فروشگاه‌های زنجیره‌ای دنیا می‌توان به «والمارت» با نزدیک ۷۰۰ میلیارد دلار و حدود ۳ میلیون کارمند، نام برد که گسترده‌ترین شرکت از نظر تعداد نیروی انسانی کل تاریخ بشر است. این شرکت از سال ۱۹۶۴ تأسیس شده و بیش از ۸۵۰۰ شعبه در ایالات متحده و سایر نقاط جهان دارد. از فروشگاه‌های زنجیره‌ای دیگر می‌توان به کارفور، آلدی و سون‌الون نام برد.

مال‌ها و مجتمع‌های خرید، معابد مصرف

در کشور ما قریب به ۲۵ تا ۳۰ سال است که دیگر حرفی از تأسیس پاساژ و راسته بازارها نیست، نظام توزیع ما از این الگوها عبور نموده و اغلب به ساخت مال‌ها و مجتمع‌های خرید بزرگ روی آورده است. مجتمع‌های خریدی که من اصطلاح «**معابد مصرف**» را برای آن‌ها بیشتر می‌پسندم. مال‌ها تفاوت ماهوی نسبت به راسته بازار و پاساژ دارند. در واقع مجموعه‌هایی هستند که در کنار خرید عناصر دیگری همچون رستوران‌های مجلل، مکان تفریح کودکان، سینما و... را در خود جای می‌دهند. این معابد مصرف مردم را طوری جذب می‌کنند که می‌توانند ساعت‌ها ما را به پرسه‌زنی وادارند. اساساً در این مال‌ها فضایی را ترتیب می‌دهند که مردم، حتی اگر قصد خرید نداشته باشند، حداقل برای تفریح و قدم زدن به آنجا وارد شوند و در از حین ورود تا خروج‌شان دائماً از کالاهای مختلف بازدید کرده و



احساس نیاز فقدان آن را در وجودشان حس کنند. این حرف من افسانه نیست، چون طراحی مال‌ها به گونه‌ایست که این حس نیاز به مصرف را به طور پیوسته به بازدید کنندگان القا کند. یعنی خرید را در قالب یک فعل تفریح‌گونه به مردم قالب می‌کنند. متأسفانه در کشور ما این الگو توسط انقلابی‌ترین مدیران کشور، وارد شد و فقط بیش از هزار شاپینگ مال در تهران و چند کلان شهر صادر شده است. شما می‌بینید که این سونامی شاپینگ مال‌ها در کشور ما چه تأثیرات مخربی را در سبک زندگی مردم گذاشته و رفتار خرید آن‌ها را تغییر داده است.

■ بزرگترین شرکت‌های تولیدکننده محصولات مصرفی

این شرکت‌های بزرگ مقیاس، در نقاط مختلف جهان مستعمره‌های زیادی دارند. شاید در زمان حاضر، وقتی واژه استعمار و مستعمره را می‌شنویم تصویری از استعمار کشورهای اروپایی در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی، کمپانی هند شرقی، جنگ تریاک در چین و یا کشتی‌های انتقال برده‌های آفریقایی به آمریکا به ذهن متبادر شود. اما اشتباه است فکر کنیم که این روش متوقف شده است. الان شرکت‌های چند ملیتی و کمپانی‌های بزرگ همان کار را با یک شکل زیبا انجام می‌دهند. هر جا ماده خام ارزان و رایگان، اعم از نیروی کار و مواد نفتی و معدنی پیدا شود، سر و کله این کمپانی‌ها پیدا می‌شود. مثلاً همین سس کچاپ هاینز (Heinz) مزارع خیلی زیادی از شکر را در سر تا سر دنیا دارند و برای اینکه شکرهایشان را با ارزش افزده بیشتر در بازار بفروشند. در داخل محصولی مثل سس کچاپ، به میزان ۵۰ درصد وزن آن، از شکر استفاده می‌کند. **چرا باید در یک سس کچاپ این حجم از شکر به کار رفته باشد؟** این ذائقه سازی که این شرکت‌ها انجام می‌دهند افزایش مصرف را در پی دارد و همین باعث شیوع بیماری غیرواگیر می‌شود. یعنی با تغییر رژیم غذایی مردم به جهت مقاصد اقتصادی خود، حتی الگوی بیماری‌ها را هم تغییر داده‌اند. یا همین شکلات صبحانه نوتلا که خانواده‌ها به عنوان یک ماده غذایی خوشمزه و مقوی برای فرزندانشان می‌دانند، **حاوی ۵۵ درصد شکر، ۲۳**

درصد روغن پالم، ۱۰ درصد شیر خشک و ۲۰ درصد باقی‌مانده‌اش کاکائو و فندق است.^۵ این شکل محصول ساختن، زاییده و مولود آن طور استعمار هست. البته بسیاری از این کمپانی‌های بزرگ به دلیل تحریم‌ها وارد ایران نشدند. اگر بگوییم که تحریم‌ها به این دلیل، برای ما خیر و برکت بوده اشتباه نکرده‌ایم.

یونیلیور

شرکت یونیلیور (Unilever) یکی از ابرشرکت‌های انگلیسی-آمریکایی، با بیش از ۱۵۰ هزار پرسنل، قریب به ۴۰۰ برند را ذیل مدیریت خود دارد. وازلین، رکسونا، سانسلیک، لوکس، داو، دامستوس، سیف. این‌ها حداقل بخش کوچکی از ۴۰۰ برند یونیلیور هستند که در بازار ایران شناخته شده‌اند. توجه داشته باشید که این ۴۰۰ برند به تنهایی شرکت‌های بزرگی هستند. مثلاً چای لیپتون یکی از آن‌هاست. یکی دیگر از این برندها بستنی مگنوم است که آقای ایوب پایداری، بعداً آن را سال ۷۱ وارد ایران کرد و توانست شرکت میهن را که شرکت کوچکی بود به این وسعت امروزی درآورد که الآن جزء ابرشرکت‌های ایران است.

واحد تحقیق و توسعه این ابرشرکت‌ها، محصولی را طراحی می‌کنند که هم بتواند از مواد اولیه خامی که به ثمن بخش از کشورهای در حال توسعه و به قیمت نابودی منابع طبیعی و انسانی آن‌ها به دست می‌آید، ارزش افزوده بیشتری را نصیب کمپانی کند و هم ترکیبی باشد که شرکت‌های کوچک مقیاس نتوانند به راحتی به آن ترکیب دست یابند. مخصوصاً شرکت‌های مواد غذایی با تغییر ذائقه‌ها استاندارد مزه‌شناسی را تغییر می‌دهند، به طوریکه هیچ شرکت کوچکی نمی‌تواند طعم نوتلا را درست به دست آورد. چون نوتلا با گرفتن سهم بازار زیاد و استفاده از تبلیغات فراوان جای خود را باز کرده است. **هیچ کسی هم نمی‌پرسد**

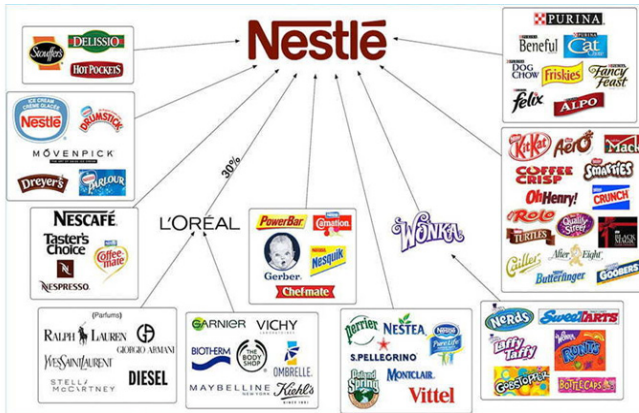


چرا باید ۵۵ درصد شکر و ۳۲ درصد روغن پالم در آن باشد. هر تولیدکننده کوچکی بخواهد شکلات صبحانه تولید کند سریعاً در بازار با نوتلا مقایسه می‌شود. این یعنی استاندارد کردن و یکسان‌سازی ذائقه‌ها. اساساً تولید انبوه تمایل زیادی به یکسان‌سازی همه چیز دارد. از ذائقه تا چیز بزرگی مثل سبک زندگی.

از این بدتر و شرم‌آورتر این است که یک عده‌ای فکر می‌کنند برای تأمین همه محصولات مصرفی و کالاهای اساسی مورد نیاز جامعه، باید به دنبال رفع تحریم‌ها رفت و تا احتیاجات مان را توسط این شرکت‌های بزرگ و برندهای بین‌المللی رفع کنیم. یعنی کل بازار مصرف مان را دو دستی به آن‌ها بسپاریم. مثلاً شرکت لیپتون، که یکی از شرکت‌های یونیلیور است، فروشش نسبت به رتبه دوم، یعنی شرکت اکبر برادرز که چای دو غزال را دارد، ۱۷ برابر بیشتر است. شرکت لیپتون، در ایران خیلی سهم بازار ندارد، ولی در دنیا همه جا را گرفته است. ۷۰ درصد بازار مصر، ۵۰ درصد بازار دبی و روسیه را دارد و در همه جای دنیا حرف اول را می‌زند.

شرکت P&G

شرکت P&G یک شرکت چند ملیتی آمریکایی است که تأسیس آن به سال ۱۸۳۷ میلادی بازمی‌گردد. این شرکت هم مثل یونیلیور دارای برندهای زیادی است که برخی از آن‌ها در بازار ایران معروف هستند. مثلاً خمیر دندان کرسٹ، ژیلت، اولد اسپایس (Old Spice)، اسکوپ (Scope)، هد اند شولدر (Head & Shoulders)، هربال، تاید، پمپرز (Pampers)، بونتی (Bounty)؛ رتبه دوم دنیا در دستمال کاغذی بعد از کیلینسک که جزء برندهای P&G است. شما وقتی به یک سوپرمارکت و خُرده فروش نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید که کل این خُرده فروشی، تنوع محصولات زیادی دارد و برندهای مختلفی را در خود جای می‌دهد ولی همه این‌ها متعلق به چند کمپانی محدود است. ما خوشبختانه ۴۵ سال هست که تحریم هستیم و هنوز بسیاری از این کمپانی‌ها وارد ایران نشده‌اند.



شرکت های بزرگ مواد غذایی

شرکت نستله، بزرگترین شرکت مواد غذایی جهان است. شرکت استارباکس، که به گزارش وب سایت statista در سال ۲۰۲۴ حدود ۴۰۱۹۹ فروشگاه در سرتاسر دنیا داشته^۶، یکی دیگر از ابرشرکت های بین المللی است که از یک قهوه تلخ سیاه رنگی که قیمتش در بازار، تا قبل از حدود سال ۱۹۷۱ که اولین شعبه را تأسیس کنند، یک دلار بیشتر نبود، قهوه ای ۱۰ دلاری بسازد. تا قبل از آن، بهترین قهوه ها را مردم با یک دلار می خوردند. اما استارباکس با ایجاد یک سبک خاص قهوه خوردن، فعل قهوه خوری را به مشتریان خود فروخته است و در واقع یک سبک زندگی جدیدی مبتنی بر قهوه خوردن را ایجاد کرده که توانسته ارزش افزوده بیشتری به قهوه بدهد. این تنها پیامد مادی استارباکس است اما این که یک کمپانی بتواند مصرف قهوه در جهان را در یک بازه ۵۰ ساله بیش از ۱۰۰ برابر کند، سبب می شود ما آن را جزء ابرشرکت های جهانی بدانیم. این مصرف صرام آور را لازم دارند تا قهوه ای که در مستعمره هایشان به دست می آید را با سود بالاتری



بفروشند. باید مصرف جهانی را تغییر دهند.

ما الان یک شعبه هم استارباکس در ایران نداریم ولی در همین قم عزیزمان نگاه کنید آن منطق و آن ادبیاتی که ساختند، در کافی‌شاپ‌ها همان منطق استارباکس است. این رفت و آمدهایی که مردم این چند سال، به دبی و تایلند و ترکیه انجام دادند، به نوعی سفیر فرهنگی دنیای غرب در ایران شدند. یعنی با پول ایرانی رفتند و سبک زندگی غربی را آوردند. اندکی بیش از دو دهه پیش چه کسی در ایران می‌دانست که باریستا چیست؟ یادم هست در دهه ۸۰ که دوران جاهلیت من بود (نسبت به ابرشرکت‌ها)، می‌خواستم با یک شرکت اتریشی روی قهوه کار کنم، کسی در ایران اصلاً این ادبیات را نمی‌دانست. اما الان در همین قم، وقتی از پسر و دختر ۱۵ ساله ما می‌پرسید که داری چه کار می‌کنی؟ پاسخ می‌دهد که من باریستای فلان جا هستم! پس این‌ها با الگوسازی‌ها و هنجارشکنی‌هایی که در مصرف انجام دادند، توانستند این همه مصرف را در کشور و در دنیا رقم بزنند.

■ دشمن شناسی، معیاری برای سنجش درستی الگوهای تمدنی

خواهش می‌کنم این چند کتاب و مستند را حتماً مشاهده کنید تا به درک بهتری از نحوه غارتگری ابرشرکت‌ها برسید.

۱. مستند چرم و بردگان مد

۲. کتاب تراژدی علم آمریکایی / انتشارات سوره مهر

۳. کتاب استبداد غول‌های فناوری / نشر ساد

۴. کتاب الگوریتم سرکوبگر / نشر صاد

۵. کتاب هیولا وارد می‌شود / نشر صاد



۶. کتاب اعترافات یک تروریست اقتصادی/ نشر کیهان

۷. کتاب داده‌های مخرب/ نشر تاچارا

اگر می‌خواهیم حرف آقا زمین نماند، اول باید خوب دشمن را بشناسیم و رفتار آن‌ها را تحلیل کنیم تا بتوانیم نوعی الگوی ایجابی طراحی کنیم که در پارادایم آن‌ها نباشد و در زمین بازی آن‌ها ندانسته بازی نکنیم. برخی از الگوهایی که دغدغه‌مندان برای اسلامی‌سازی کشور می‌دهند همین ایراد را دارد؛ یعنی به واسطه عدم شناخت درست دشمن الگوهایی پیشنهاد می‌دهند که همان الگوهای غربی است و در واقع رخنه‌پوش تمدن غرب است.

اگر می‌خواهیم حرف آقا زمین نماند، اول باید خوب دشمن را بشناسیم و رفتار آن‌ها را تحلیل کنیم تا بتوانیم نوعی الگوی ایجابی طراحی کنیم که در پارادایم آن‌ها نباشد و در زمین بازی آن‌ها ندانسته بازی نکنیم. برخی از الگوهایی که دغدغه‌مندان برای اسلامی‌سازی کشور می‌دهند همین ایراد را دارد؛ یعنی به واسطه عدم شناخت درست دشمن الگوهایی پیشنهاد می‌دهند که همان الگوهای غربی است و در واقع رخنه‌پوش تمدن غرب است.

■ ابرشرکت‌های ایران

از اینجای بحث قصد دارم وارد موضوع ابرشرکت‌های ایرانی شوم و درباره آن چیزی که مستقیماً به معیشت مردم و وضعیت زندگی مردم ربط دارد صحبت کنم. چند مثال می‌زنم و نشان می‌دهم که این الگوها، باعث شده که در این ۵۰-۶۰ سال گذشته چه ابرشرکت‌هایی در فضای کشور ما به وجود بیایند. این سیری بوده که از قبل از انقلاب به وجود آمده و اگر چه در دهه اول انقلاب، یعنی دهه ۶۰ که رهبری آن را دهه طلایی انقلاب می‌داند، کند شده بوده اما متأسفانه در دهه ۷۰ و در دولت سازندگی دوباره اوج گرفته است. متأسفانه در این زمینه نتوانستیم بعد از انقلاب تغییر ریل اساسی ایجاد کنیم. و چون نسبت به تأثیرات ابرشرکت‌ها



در اقتصاد و جامعه جهل داشتیم، دائماً راه‌حل مسائل را در تغییر لوکوموتیوران می‌دانستیم، در حالیکه باید ریل را عوض می‌کردیم. یعنی الگوها پس از انقلاب تغییری نکرد.

■ چالش در زنجیره مرغ و تخم مرغ، نتیجه شرکت‌سالاری و تولید متمرکز

یکی از مسائل مهمی که با امنیت غذایی ما سر و کار دارد و هر چند وقت یکبار مشکل‌ساز می‌شود، زنجیره مرغ و تخم مرغ است. بعد از انقلاب سبز ۱۹۶۰ یک جریان جدیدی در تولید مرغ و تخم مرغ، در کل دنیا اتفاق افتاد که در جریان انقلاب سفید و اصلاحات ارضی که محمدرضا پهلوی در کشور ایجاد کرد، بر ایران تأثیر گذاشت. قبل از آن مرغ و تخم مرغ به صورت بومی تولید می‌شد. در روش جدید، زنجیره ارزش دیگری را در تولید مرغ و تخم مرغ تعریف کردند. برای اینکه درک کنیم چه اتفاقی که برای تولید مرغ و تخم مرغ کشور ما و بسیاری از کشورهای دیگر افتاده است باید زنجیره تأمین مرغ و تخم مرغ کنونی را شرح دهیم.

اگر زنجیره تولید مرغ صنعتی، اعم از مرغ گوشتی و تخم‌گذار، را به صورت هرمی تصور کنیم، در بالاترین سطح هرم، **مرغ لاین** قرار می‌گیرد. فقط ۸ کشور دنیا مرغ لاین دارند! همین نشان می‌دهد که مرغ لاین از منابع فوق استراتژیک است. می‌دانید که مرغ لاین اصلاً قابل خرید و فروش نیست. یعنی هیچ کشور دارای مرغ لاین، آن را به کشور دیگری نمی‌فروشد. از مرغ لاین مرغ اجداد گرفته می‌شود که دومین سطح هرم را تشکیل می‌دهد. از مرغ اجداد، مرغ مادر گرفته می‌شود که سومین سطح از هرم است و دو نوع گوشتی و تخم‌گذار دارد. از مرغ مادر جوجه‌ای گرفته می‌شود که در مرغداری‌های صنعتی به عنوان مرغ گوشتی یا تخم‌گذار شناخته شده و پس از رسیدن به وزن مطلوب کشتار و به بازار عرضه می‌شود.

حال که اجمالاً با هرم تولید صنعتی مرغ آشنا شدیم اجازه بدهید من هشت کشوری که مرغ لاین دارند را نام ببرم. این کشورها عبارتند از آمریکا، انگلیس، برزیل، هلند، هند، آلمان، فرانسه و ایران!^۷ چرا ایران؟ آیا ما خودمان از مرغ بومی موجود در کشور بهگزینی کردیم و یک مرغ لاین ایجاد کردیم؟ متأسفانه پاسخ منفی است! سال ۶۰، خداوند یک درکی به یکی از معاونین وزیر جهاد داده بود که استقلال کشور به این است که ما حتماً مرغ لاین خودمان را داشته باشیم؛ اگر بخواهیم در مقابل استکبار بایستیم که نمی‌شود سرنخش دست آن‌ها باشد. ایشان **مرغ لاین آراین** را از هلندی‌ها با قیمت بالایی می‌خرد. هلندی‌ها هم به خاطر اینکه این مرغ لاین را یکبار به هلندی‌ها داده بودند و هلندی‌ها نتوانسته بودند آن را نگه دارند و از آن بهره‌برداری کنند، مطمئن بودند که ایرانی‌ها هم نمی‌توانند. به همین دلیل با قیمت چندین برابر نژاد آراین را به ایران می‌فروشد. به لطف خدا، ایرانی‌ها توانستند آراین را نگه دارند و از آن بهره‌برداری نمایند. به طوریکه ما تا سال ۸۵، تا دولت آقای دکتر احمدی نژاد، ۸۵ تا ۹۰ درصد مرغ کشور از پایه مرغ لاین آراین بوده که در یک مزرع ۱۲۵۰ هکتاری بابل‌کنار تأمین می‌شده است. یعنی تخم مرغ اجدادمان از خود مرغ آراین بود. مرغ آراین چه ویژگی‌هایی دارد؟ مرغ آراین در ۳۵ روز اول، بالاترین ضریب تبدیل^۸ را دارد. ولی از ۳۵ روزگی به بعد، دچار افت ضریب تبدیل می‌شود. در پایان این مدت، یک لاشه ۱٫۵ کیلویی تولید می‌شود! یعنی در یک مرغداری مشابه با نژادهای دیگر مرغ پرورش پیدا می‌کند اما نژادهای دیگر ممکن است تا سه کیلوگرم وزن بگیرند. با همین استدلال، یک مجموعه‌ای از کارشناسان نابخرد، که الآن هم هستند، به آقای احمدی نژاد

^۷ - <https://www.magiran.com/article/4332185>

^۸ - مقدار خوراکی که باید جوجه مصرف کند تا یک کیلوگرم وزن بگیرد. به عبارت دیگر ضریب تبدیل حاصل تقسیم مقدار خوراک مصرف شده بر وزن یک جوجه است. هرچه این مقدار کمتر باشد نژاد مورد نظر مطلوب‌تر و دارای راندمان بیشتری است.



توصیه می‌کنند که به خاطر اینکه بتوانیم امنیت غذایی کشور را تأمین کنیم، باید جوجه مرغ اجدادی را از خارج کشور بیاوریم که در همین فضای سالن‌های پرورش مرغ صنعتی، بتواند لاشه دو و نیم یا سه کیلویی تحویل دهد و بتوانیم جهش جدی در تولید گوشت کشور ایجاد کنیم. از آن جا به بعد، اتفاق وحشتناکی می‌افتد. ما از یکی دو تا شرکت انگلیسی که مهمترین‌شان همان راس انگلیس است، سالی حدود ۲۵۰ هزار تخم مرغ اجداد را وارد می‌کنیم که از آن‌ها بتوانیم تمام زنجیره مرغ گوشتی مصرفی کشور را تأمین کنیم. ۲۵۰ هزار تخم مرغ ضربدر ۴۰ دلار می‌شود ده میلیون دلار که این رقم در فضای نیاز کل کشور مقدار زیادی نیست. ظاهر داستان چیز مطلوبی را نشان می‌دهد که وقتی ما با ۱۰ میلیون دلار هزینه و تقریباً در همان فضای قبلی بدون اینکه نیازی به سالن‌های خاصی باشد، به سرعت با تغییر نژاد از آراین به راس می‌توانیم لاشه مرغ تولیدی را از ۱٫۵ به ۲٫۵ کیلوگرم برسانیم، حداقل ظاهر امر نشان می‌دهد که امر مطلوبی است و به زعم آن کارشناسان نیز یک استراتژی درستی بوده است. با همین منطق سهم مرغ آراین در زنجیره صنعت مرغ کشور از ۸۵ درصد به ۱ درصد می‌رسد.

همچنانکه جان پرکینز در گفته‌های خود می‌گوید اصلاً مهم نیست دموکرات رئیس جمهور باشد یا جمهوری خواه قدرت را در دست بگیرد، سیاست همان سیاست است؛ برای ما هم صادق است. اینکه اصلاح طلب سرکار باشد یا اصولگرا مهم نیست، منطق و ساختار غلط است. به زعم ما، ساختار همانند یک کارخانه شراب سازی است و اگر در سردر آن "بسم الله الرحمن الرحیم" یا "هذا من فضل ربی" بنویسیم چیزی درست نمی‌شود. آدم نماز شب خوانی هم مدیر این ساختار کنید سرکه تولید نمی‌شود.

هر مرغ اجداد ۵۰ تا جوجه مرغ مادر در سال تولید می‌کند و هر مرغ مادر، حدود ۱۴۰ تا جوجه مرغ گوشتی، یا تخمگذار تولید می‌کند. خروجی این‌ها در نهایت این می‌شود که ما در سال گذشته ۲٫۶ میلیون تُن مرغ تولید و به شکل‌های مختلف



مصرف کردیم. همچنین بیش از ۲۰ میلیارد عدد تخم مرغ در سال گذشته مصرف شده!

در چه سبکی مرغ و تخم مرغ صنعتی تولید می‌شود؟ شاید از نزدیک دیده باشید. در قسمت مرغ‌های تخمگذار، هر عدد مرغ تخمگذار را در یک قفس نگهداری می‌کنند و خوراک از جلوی این مرغ‌ها رد می‌شود. ۱۰۰ میلیون قطعه مرغ تخمگذار تقریباً دارند این تعداد تخم مرغ را تولید می‌کنند. نظام سرمایه داری با حیوانات هم مثل یک شیء بی‌جان رفتار می‌کند تا بیشترین بهره‌وری را از آن بگیرد. اگر زورشان برسد، کاری می‌کند مرغ به جای یک تخم در روز، دو تا تخم بگذارد. از آن فاجعه‌آمیزتر شرایط پرورش مرغ گوشتی است. آنقدر تراکم در مرغداری‌ها بالاست که بیش از ۹۸ درصد مرغ‌ها یا دچار ترک استخوان هستند یا شکستگی استخوان دارند و با درد بسیار زیادی دائماً در آن روزهای آخری سخته می‌کنند و بعد تازه در کشتارگاه‌ها کشتار می‌شوند. آیا با این الگو می‌خواهیم به امنیت غذایی برسیم؟ در الگویی که هیچ توجهی به آزار ندیدن حیوانات نمی‌شود، کشتارگاهی ساخته‌ایم که شش هزار مرغ در ساعت، سلاخی می‌شوند! ثانیه‌ای چقدر می‌شود؟ یعنی هر ثانیه دو تا. در روایت است که اگر می‌خواهی حیوان را بکشی حق نداری آسیبی به او وارد کنی. ولی به زعم کارشناسان نظام سرمایه‌داری، ما چاره‌ای نداریم و می‌خواهیم در جمهوری اسلامی به امنیت غذایی برسیم. مرغ‌ها را برای کشتار از برق عبور می‌دهند و همه را بی‌حال می‌کنند و اینطور سرشان را می‌بریم. یعنی نه حقوق حیوانات رعایت می‌شود و نه حتی از نظر محیط زیست مطلوب است. به بهانه امنیت غذایی حکم حلیت آن را هم از نماینده ولی فقیه می‌گیرند. یعنی شرایط را طوری ترسیم می‌کنند که گویی هیچ راه دیگری برای کشتار مرغ نیست و از ولی فقیه می‌خواهند حکم شرعی بدهد و فرآیند را حلال اعلام کند.

پیدایش خانواده‌های ابرسرمایه‌دار به واسطه ساختار شرکت‌سالاری

از طرف دیگر ما برای تولید این مقدار مرغ و تخم مرغ به ۷ میلیون تن خوراک مرغ نیاز داریم. چه مرغ راس انگلیسی و چه آرین خودمان فرقی نمی‌کند. چون تولید صنعتی مرغ الزامات خودش را دارد، باید فرمول خاصی داشته باشد، شرایط پرورش هم باید خاص باشد از نظر دما، تهویه، روز و شب مصنوعی و... تا بتوانند بهره‌وری بالایی داشته باشد. خوراک مرغی که برای جوجه‌هایی که در انگلیس، آمریکا و فرانسه اصلاح نژاد شدند نیاز داریم. آن‌ها جوجه را جوری اصلاح نژاد کرده‌اند که خوراک آن در مستعمره‌هایشان وجود داشته باشد. به بیان دیگر، خوراکی را فرموله کردند که توانایی تهیه مواد خام آن را به راحتی دارند. منظورشان از جوجه بهینه این است. ذرت و سویا به عنوان خوراک غالب این مرغ‌ها شناخته می‌شوند. در حالی که پهنه زراعی کشور ما اصلاً سابقه کشت ذرت و سویا را نداشته و بعد از جنگ، که مصرف مرغ افزایش یافت نیاز مبرمی به ذرت و سویا به وجود آمد. در این اوضاع خانواده مدلل به وجود آمدند که نبض خوراک دام و طیور را به دست گرفت. مسئله، خانواده مدلل نیست مسئله ساختاری است که خانواده مدلل از آن بیرون می‌آید. اگر این‌ها نباشند خانواده دیگر می‌آید. ما به طمع و حرص این خانواده‌ها و ابرشرکت‌ها نقد داریم. این که دارند با قوت مردم به خاطر سود خودشان اینطوری بازی می‌کنند و حاکمیت را به سخره گرفتند. این خانواده بیشتر دانه روغنی کشور را هم وارد می‌کند. شاید نزدیک به ۸۰ درصد روغن کشی ایران با خانواده مدلل است. روغن تصفیه نشده را به کارخانه‌های دیگر می‌دهند. کارخانه‌های روغن خودشان کدام است؟ «ناز گل» در شمال، «غنچه» در ماهیدشت و جدیداً هم «لادن» را خریدند! یعنی از شرکت عربستانی «سافولا»، کل کارخانه لادن را خریدند. آن‌ها بزرگترین وارد کننده گندم و جو به ایران هستند. بزرگترین تولید کننده سیمن ایران هم هستند. سیمن «سامان» دو برابر بزرگترین کارخانه ایران است.



این‌ها ابرشرکت‌های ایرانی‌اند. الآن اگر از شما بپرسند که خانواده مدلل جنایت می‌کنند یا آن ساختار؟ جواب درست ساختار است. پس ما قصدمان از این جلسات، اصلاً به آدم‌ها و شخص‌ها کار نداریم. ما به منطقی که حاکم است نقد داریم. در این منطق نادرست، طبیعی است عده‌ای هم سوء استفاده می‌کنند. یعنی خودمان مقدورات کشورمان را در یک ساختاری به دستشان دادیم. خیال نکنید این خانواده بلند بشود یک خانواده دیگر بیاد اوضاع درست می‌شود.

شما فکر می‌کنید مدیر عامل شرکت‌های همین خانواده مدلل چه کسانی هستند؟ جالب است اگر بدانید یکی از آن‌ها معاون وزیر جهاد بوده است. این خانواده‌ها از افرادی با نفوذ سیاسی و دارای اطلاعات کشوری استفاده می‌کنند تا به رانتی از اطلاعات برسند. یکی که قبلاً معاون وزیر جهاد هاشمی استاندار کرمانشاه در دولت خاتمی بوده را به عنوان مدیر عامل برمی‌گزینند که بتوانند از اطلاعاتش در رابطه با افراد و آمار و ارقام ملی استفاده کنند.

■ صنعت خودروسازی کشور تحت کنترل چند ابرشرکت قطعه‌سازی

چه کسی می‌داند که چند درصد ایران‌خودرو دولتی است؟ اکثر مردم فکر می‌کنند که بخش اعظم سهام خودروسازی‌ها دولتی است، در حالیکه حدود ۸ درصد است. ولی مردم نابسامانی خودرو را از دولت می‌دانند. این هم نتیجه ساختار غلط تولید در کشور است. این ساختار تولید و صنعت، قطعاً ما را برای تشکیل دولت اسلامی و تمدن نوین اسلامی عقب می‌اندازد.

در این قسمت قصد دارم به یکی از ابرشرکت‌های مولود صنعت خودرو اشاره کنم. شرکت کروژ، بزرگترین تولید کننده قطعات خودرو در ایران است. مرداد ۱۳۸۰، بعد از گذشت دو دهه از انقلاب و دو سال قبل از اینکه من کارخانه قطعه‌سازی‌ام را تعطیل کنم، یک اتفاق عجیبی افتاد. مجمع تشخیص مصلحت نظام که آن موقع ریاست آن را مرحوم آقای هاشمی به عهده داشت، دوازده مشاوره



اقتصادی داشت که به عنوان مثال یکی از آن‌ها مسعود مدلل بود و یکی دیگر از این مشاورین همین شرکت کروز بود. یعنی ابرشرکت‌های ما مشاور مجمع تشخیص بودند. آن‌ها سود خودشان را از این نفوذ بردند و کارهایی کردند که باعث شد کشور را دودستی مال خود کنند. یکی از این کارها این بود که به دلیل مشاوره‌هایی که همین شرکت کروز به دولت می‌داد، برای واردات قطعات صنعتی که در داخل تولید می‌شد، مجوز صادر شد. در همین حین، امثال شرکت کروز، به طور ناگهانی جهش عجیب و غریبی پیدا کردند. آن‌ها با واردات از چین و مونتاژ و بسته بندی کردن در ایران، تبدیل به بزرگترین قطعه ساز کشور شدند. شرکت عظام هم که یادتان هست چند وقت پیش، مدیر عامل ۶۵ ساله‌اش را به ۶۵ سال حبس و ۷۵۰ میلیون دلار جریمه نقدی محکوم کردند. این‌ها با قطعه‌سازی کاری کردند که الآن همه از کیفیت نامطلوب لوازم یدکی ناراضی هستند. این‌ها پیامد ساختاری است که به واسطه آن ۲۰ سال است که کروز، عظام، جی اس پی و ... در صنعت قطعه‌سازی می‌تازند و خودروسازی ما را به این روز انداختند. خودروساز ما که قطعه نمی‌سازد آن‌ها فقط مونتاژ می‌کنند. معضل امروزی خودرو به خاطر قطعه‌سازان است. عدم کیفیت لوازم یدکی و قطعات از قطعه سازی منشأ می‌گیرد. ما در سال ۱۳۸۰، ۸۵۰۰ واحد ریخته‌گری در سراسر کشور داشتیم. هنوز سه سال نشده بود که ۶۰۰ واحد ریخته‌گری با یک مصوبه مجمع تشخیص تعطیل شد! و تعداد زیادی از صنعتگران و انسان‌های مولد از این بخش خارج شدند. بعضی وقت‌ها من آرزو می‌کنم که از لحاظ تولید برگردیم به دهه ۶۰ تا ۷۰. از لحاظ اینکه چرخه دانش تولید، دست تعداد زیادی از مردم بود، نه دست یک تعداد کمی شرکت بزرگ.

شرکت کروز، بیش از ۱۲ هزار پرسنل دارد و بیش از ۱۰ هزار زن سرپرست خانوار و دختر مجرد، کارگران و پرسنل شرکت کروز هستند. آن مردانی که قبلاً در همین قطعه‌سازی‌ها بودند الآن در اسنپ مسافرکشی می‌کنند و خانم‌ها در شرکت

قطعه‌سازی کروژ دارند قطعه‌های خودرو تولید می‌کنند، اگر هم این خانم‌ها ازدواج کنند و بچه‌دار بشوند طبق یک قانون نانوشته‌ای عذرشان خواسته است. در جمهوری اسلامی یک ابرشرکت می‌تواند این طوری برای خودش قلدری بکند و هیچ کس هم نمی‌تواند جلودارش شود. بسیاری از مسئولین هم ندانسته، با آن‌ها عکس یادگاری می‌گیرند. یکی از نماینده‌ها گفته بود بار صنعت را این بانوان به دوش می‌کشند. بعد همزمان با تمجید از این الگوها دغدغه ازدواج و جمعیت هم داریم. واقعاً این بستر مناسب برای فعالیت خانم‌هاست؟ این الآن در شأن بانویی است که در جمهوری اسلامی زندگی می‌کند؟ بعد تا اعتراضی می‌شود می‌گویند این کار را نکنید، با این کار شما اشتغال زیادی از بین می‌رود!

باز تأکید می‌کنم با اینکه ایرادات جدی به این افراد و شرکت‌ها وارد است اما مهم‌تر ساختار نامطلوب است که باید اصلاح شود. ایراد اصلی این است که چه بستری فراهم کردیم که آن‌ها در آن قالب سر برمی‌آورند؟ ۳۰ درصد ایران خودرو توسط گروه بهمن خریداری شده است. این در حالیست که ۶۲ درصد گروه بهمن برای شرکت کروژ است! نزدیک به یک سال است که دارند حکم می‌دهند که بیشتر ایران‌خودرو، بابت طلب‌ها به شرکت کروژ تعلق گیرد. بعد مردم نارضایتی خودشان از کیفیت را به دولت ربط می‌دهند. این‌ها نتیجه نوعی از حکمرانی است که چه بستری را فراهم کرده که مردم بابت یک خودروی اکونومی، اسیر یک همچنین مجموعه‌هایی هستند و هیچ راه دیگری هم ندارند.

■ مالی‌سازی و سوداگری زمین توسط ابرشرکت‌ها

ابرشرکت‌ها یک جای دیگری هم فاجعه می‌آفرینند. آن‌ها با این پول‌هایی که در می‌آورند با همکاری بانک‌ها وارد سوداگری زمین می‌شوند. آقای دکتر جهانبخش در جلسه قبل (پرونده دوم، رویداد روایت حقیقت) به این پرداختند که زمین، یکی از بزرگترین منابع و انفال کشور است که می‌تواند به عدالت، برای همه بستر تولید ثروت را فراهم کند. زمین نسبت به سی سال گذشته سه هزار و چهارصد



برابر شده است که این عدد از طلا و از خود مسکن و از دلار هم بالاتر است. در حالیکه زمین اصلاً هیچ ربطی به تحریم‌های آمریکا نداشته است.

یعنی ببینید ما یک چیز خدادادی را به چه وضعیتی درآوردیم. کل کشورمان از شهر و روستا، نه دهم مساحت سرزمین است. آقای مخبر دستور دادند در دولت شهید رئیسی رحمه الله علیه، در سواحل مکران، مکان‌یابی شود برای احداث شهرهای جدید تا طرح توسعه مکران در آنجا پیاده شود. ما با تعدادی از دوستان برای این کار، از تنگه هرمز تا دم گربه را شخم زدیم. هر زمینی پیدا می‌کردیم می‌دیدیم که به کسی داده‌اند. ۲۰ هزار هکتار یعنی حدود ۱٫۵ برابر شهر قم را به یک نفر داده بودند. در حالیکه برای مردم حاضر نیستند مسکن ۲۰۰ متری بدهند. همین ۲۰ هزار هکتار را با کوادکوپتر مشاهده کردیم هیچ کاری در آن نشده بود، فقط داشتند دور تا دور این زمین را دیوار می‌کشیدند. این اگر زمین‌خواری نیست پس چیست؟

وقتی می‌گوییم زمین به مردم بدهید می‌گویند شما به فکر آیندگان نیستید. در حالیکه طبق آمایش سرزمین سازمان برنامه و بودجه ۱۵ درصد از مساحت کشور اولویت توسعه سکونتگاهی دارد یعنی تا زمانی که جمعیت ایران به یک میلیارد نفر هم برسد می‌توانیم به همه خانواده‌های ایرانی ۵۰۰ مترمربع زمین بدهیم. بعد این وضع خانواده‌های ماست. تا ۱۴۰۹، حدود ۲۴ میلیون دختر و پسر در سن ازدواج داریم که می‌تواند یک فرصت استثنایی جمعیتی باشد. اگر دولت بستری را فراهم می‌کرد که هر دختر و پسر که ازدواج می‌کردند همان موقع می‌توانستند زمین‌شان را از دولت بگیرند چقدر امیدوار کشور و در جوانان زنده می‌کرد. چقدر می‌توانست نرخ ازدواج را زیاد کند. چقدر می‌تواند هدایت نقدینگی و هدایت مقدرات خانواده دختر و پسر را به سمت شکل‌گیری یک خانواده جدید شکل بدهد؟

پس ساختارها یک مولودهایی دارند. خود همین ساختار بانک‌ها لازم است تا بتواند آن سیستم تولید و آن سیستم ابرشرکت‌ها را حمایت کنند. یعنی دوباره ایراد به ساختارهای آن ابرشرکت‌ها برمی‌گردد.

■ شرکت میهن، ابرشرکتی با چهره‌های متفاوت

شرکت میهن آقای یعقوب پایداری که از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۱، تا دولت سازندگی آقای رفسنجانی، هیچ بهره‌ای از شرکتش نبرده بود با الگوهایی که برگرفته از نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول بود و در سال ۶۹ تصویب شد، تبدیل به یکی از ابرشرکت‌های مواد غذایی شد. این سیاست‌ها را دولت رفسنجانی کلنگش را زد و دولت آقای خاتمی فرهنگش را ساخت و دولت آقای احمدی نژاد رشدی به این سیاست‌ها داد که هیچ کسی باورش نمی‌شود! یعنی به ظاهر اصولگراترین دولتماند آنچنان قوت داد به این ابرشرکت‌ها، که خوابش را هم نمی‌دیدند. تصویر زیر برندهای زیرمجموعه شرکت میهن را نشان می‌دهد.



● نظام توزیع در سیطره مال‌ها و فروشگاه‌های زنجیره‌ای

ایران مال با وسعت ۱۴۸۰۰۰۰ متر مربع با خلق پول آقای علی انصاری در بانک آینده، تبدیل می شود به بزرگترین معبد مصرف ایران و چهارمین در دنیا!

نمونه دیگر ابن معابد مصرف، فروشگاه های زنجیره ای هایپرستار است.



هایپراستار همان شرکت کارفور «Carrefour» فرانسه و دومین فروشگاه زنجیره‌ای بزرگ دنیا بعد از والمارت است. از آنجایی که سال ۸۸ نمی‌توانست با اسم کارفور در ایران بیاید بنابراین تغییر اسم می‌دهد و با نمایندگی شرکت کارفور در خاور میانه، یعنی مجموعه ماجد الفطیم، با برند هایپراستار وارد ایران می‌شود. مأموریتش این بود که تمام ساختار و دانشی که برای ایجاد فروشگاه‌های زنجیره‌ای لازم است و می‌تواند به شدت در نظام تولید و توزیع کشور تأثیر بگذارد را وارد ایران کند. هایپراستار مثل یک دانشگاه عمل می‌کند. سودی ندارد. ولی اینجا ایستاده که امثال افق کوروش، رفاه، شهروند و... بتوانند آن را الگو کنند و از پرسنلی که در آنجا تربیت می‌شوند استفاده کنند. وقتی افق می‌خواهد برای مجموعه‌اش پرسنل جذب کند، یکی از بهترین رزومه‌هایی که سریع جذب می‌کند این است که چند وقت در سیستم ستادی هایپراستار کار کرده باشد.

■ تغییر آمایش نیروی کار توسط تاکسی‌های اینترنتی

تا ۲۰۰۸ که هنوز فضای مجازی آن جور که امروز هست، سامان نگرفته بود بزرگترین شرکت جهان والمارت با نزدیک به ۲ و نیم میلیون پرسنل بود. به برکت فضای مجازی، اقتصاد پلتفرمی توانست نظام سرمایه داری را باز تولید کند. ما تقریباً پلتفرمی را در ایران و جهان نداریم که آتش به آسیاب این ابرشرکت‌ها نریزد. ساده‌انگارانه است اگر بگوییم اسنپ آمده و حمل و نقل را بهبود داده است. نه اینطور نیست. اسنپ سیستم جدیدی را در کشور می‌آورد. به جای اینکه راه درست را برای سیستم حمل و نقل شهری پیدا کنند، امر به این مهمی که تأثیر به سزایی در نظام تولید و توزیع و همچنین آمایش نیروی کار دارد را به یک بنگاه خصوصی واگذار کرده‌اند که ۹۰ درصد سهامش برای سرمایه‌داران خارجی است. اسنپ، نزدیک به ۶ میلیون ۹۰۰ هزار راننده اعم از فعال و نیمه فعال دارد. در حالی که خود (Uber) که اسنپ از روش آن تقلید کرده، در ۶۹ کشور دنیا، فقط ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار راننده دارد.



من که دغدغه تولید دارم، مسئله‌ام این است که چه باید بکنم که فارغ التحصیلان، بازنشستگان و جوان قدرتمند ما در اسنپ کار نکنند و در عرصه تولید وارد شود. نمی‌خواهم کارگری بکنند بلکه می‌خواهم برای خودش تولید کند. من با این دغدغه، نمی‌توانم قانعش کنم که به تولید روی آورد و از اسنپ دست بردارد.

ما با این همه از منابع که تقریباً ۷ درصد منابع و معادن دنیا در سرزمین ماست و کلاً یک درصد جمعیت دنیا را داریم؛ با منابع انسانی جوان که قبلاً گفتیم ۲۴ میلیون دختر و پسر داریم که تا همین ۱۴۰۹ به سن ازدواج می‌رسند؛ با سرزمین پهناوری که داریم، چطور انقدر از تولید بی‌بهره‌ایم. مشکل ساختارهایی است که مقدرات ما را به گروگان گرفتند. در دنیا، این ابرشرکت‌ها معادن و منابع را از کشورهای دیگر غارت می‌کنند. اما در ایران ما با یک پدیده جالبی روبرویم که ابرشرکت‌هایی را درست کردیم و مقدرات کشور را به دستشان دادیم تا مثل فولادی‌ها و پتروشیمی‌ها خام فروشی کنند و دلارش را هم برنگردانند و بشود همین توضیحاتی که دکتر جبرائیلی در جلسه اول ارائه نمودند. کل کشور را دلاریزه می‌کنند و قیمت کارگر را هم به شدت پائین نگه می‌دارند که کمر تولید بشکند. که ما نتوانیم این معادن و منابع را ببریم در زنجیره تولیدی که صدها برابر می‌تواند ارزش افزوده داشته باشد.





بخش دوم:

تولید به سبک ۴۳؛ راه‌رهایی از گروگان‌ها



در بحث دوم قصد داریم به روش‌ها و الگوهای جایگزین مورد نظر بپردازیم. برای رسیدن به این هدف لازم بود تا مسئله را بشناسیم که تلاش کردیم در بخش قبل این کار را اجمالاً انجام دادیم.

■ رفع غل و زنجیرهای رشد مردم مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی، دو صفحه هست اما به نظر ما، از مهم‌ترین تراث شیعه است. توصیه می‌کنم آن را حتماً مطالعه نمایید. در آنجا به چند تا از آیات قرآن ارجاع داده شده که یکی از آن‌ها که مربوط به بحث ماست آیه ۱۵۷ سوره اعراف است. در آنجا اشاره می‌کند که وظیفه حکمران، باز کردن غل و زنجیر از دست و پای مردم و بسترسازی برای رشد آن‌هاست.^۹ این غل و زنجیری که این استعمار نو، به دست و پای مردم بسته، جزئیاتی دارد؛ باید ابتدا کاملاً فهم کنیم که استعمار چگونه به تمام دنیا و تا حدودی به کشور ما مسلط شده است. سپس برنامه‌ریزی حکمران باید در مسیری باشد که تسلط استعمار داخلی و خارجی را از سر ملت رفع و این غل و زنجیرهایی که به دست و پای ملت بسته شده را باز کند.

در قسمتی دیگر از مقدمه قانون اساسی تعریفی از اقتصاد ارائه شده که کلان استراتژی جمهوری اسلامی در رابطه با اقتصاد را مشخص می‌کند و می‌تواند به عنوان چارچوبی برای حکمرانی اقتصادی کشور باشد. در این بند آمده:

«در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان

^۹ - با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند (ویضع عنهم اصرهم والا غلال التي کانت علیهم). «بخشی از مقدمه قانون اساسی،



رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارائی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.»

این بند از مقدمه الهام‌بخش ما در تبیین الگوی ایجابی مدنظر بوده و به نظر ما دکترین اقتصادی جمهوری اسلامی است. در این بند تأکید شده که نباید اقتصاد را هدف دانست بلکه وسیله‌ای برای رشد انسان‌هاست. بنابراین حکمرانی اقتصاد در جامعه اسلامی صورت دیگری نسبت به جوامع مادی به خود می‌گیرد. سیاست‌گذاری‌های اقتصادی باید در جهتی تدوین شوند که زمینه را برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی فراهم نمایند. چرا که توسعه اختیار انسان مهم‌ترین امری است که رشد او را ممکن می‌سازد. به همین دلیل حاکمیت باید امکانات متناسب برای رشد افراد را به صورت عادلانه و مساوی برای همه جامعه فراهم نماید.

■ اصل ۴۳ قانون اساسی، دکترین اقتصادی کشور

صورت تبلور یافته و تفصیلی این بند از مقدمه قانون اساسی، در اصل چهل و سوم آمده است. این اصل یکی از اصول مهم اقتصادی ولی درعین حال جزء مغفول مانده‌ترین اصول قانون اساسی است. اصل ۴۳ عبارت است از:

«برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و



محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱ - تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲ - تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳ - تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴ - رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵ - منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و باطل و حرام.

۶ - منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷ - استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای



توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۱ - جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹ - تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفائی برساند و از وابستگی برهاند.»

به همین دلیل، عنوان بخش دوم از مباحث خود را «تولید به سبک ۴۳» گذاشته‌ایم، زیرا الگوی ایجابی مختار که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، در واقع تلاشی برای تحقق بخشی و عینیت بخشی به اصل ۴۳ است.

ساخت الگوی تولید متناسب مطلوبیت‌های دینی، احیاکننده استقلال ملی

اما اینکه چرا تولید را محور قرار داده‌ایم و می‌خواهیم اصل ۴۳ را در ساخت تولید تحقق ببخشیم، به دلیل اهمیت آن است. اگر ما بخواهیم در مقابل جبهه کفر به عزت برسیم باید مولد باشیم. تولیدگری استقلال ملی را زنده می‌کند و در تمدن سازی بسیار مهم است. اگر شما به بیانات مقام معظم رهبری که همه ساله در عید نوروز ایراد می‌شود، خوب دقت کرده باشید، متوجه می‌شوید که بیاناتی که رهبری از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ داشته‌اند، در ۱۲ تا از ۱۴ سخنرانی، مستقیماً به بحث تولید پرداخته‌اند.

اگر بتوانیم الگوی تولید متناسب با مطلوبیت‌های دینی و فرهنگی‌مان را تبیین کنیم، می‌توانیم تمام ساختارهای اجتماعی را به سمت تمدن نوین اسلامی جهت بدهیم. ما انقلاب نکردیم که از آمریکا، آمریکایی‌تر شویم و با دقت الگوهای آن‌ها از نظام استاندارد تا نظام تولید و توزیع، را برداشت کنیم! شاید در چند سال اول انقلاب، چون این نهضت مردمی نوپا بوده، استفاده از الگوهای آن‌ها ایراد چندانی نداشته؛ اگر چه همان موقع هم اگر می‌خواستیم و توجه داشتیم، می‌توانستیم



ساختارهای انقلابی‌مان را تأسیس و هر روز بهینه کنیم. درست همان کاری که امام خمینی (ره) انجام داد.

ما که اینجا دور هم جمع شدیم باید بدانیم که مبارزه اصلی‌مان باید ساختار و منطق نادرست سرمایه‌داری باشد. و راه مبارزه هم همان است که امام خمینی (ره) از ابتدای انقلاب انجام داد. یعنی دست به تأسیس ساختارهای جایگزین و موازی با ساختارهای حاکم زد. تأسیس سپاه یک نمونه آن است. امام چون می‌بیند روحیه جهادی را نمی‌تواند یک شبه به داخل ارتش نفوذ دهد و از طرفی کار انقلاب با روحیه جهادی قابل انجام است، نهادی موازی با ارتش را تأسیس می‌کند. در عین حال ارتش را هم حذف نمی‌کند. الان که وسط جنگ اقتصادی هستیم، اصلی‌ترین مسئله ما در این جنگ، این الگوهای استکباری اقتصادی است که اسیرش شدیم و دست و پای دولت و مردم را بسته است. متأسفانه کسی هم اینگونه به جنگ اقتصادی نگاه نمی‌کند.

به جای این که ساختارهای انقلابی خودمان را تأسیس کنیم، به بهانه دوران گذار، دائماً مدل‌های غربی را با اشتیاق فراوان در کشور اجرا کردیم. چون بسیاری از تحصیلکرده‌های ما، آن‌هایی که باید بار انقلاب را برمی‌داشتند، تحصیلکرده آریامهری و غرب بودند و وقتی می‌خواستند وارد مقام اجرا شوند، روزمرگی و بحران‌ها دائماً به آن‌ها فشار می‌آورد و چیزی که دم دست دیدند الگوهای نظام سرمایه‌داری بود.

هر چه الگوهای به اصطلاح ترند در دنیا هست و دانشگاه‌ها مشغول تدریس آن هستند، همه نظام سرمایه‌داری را فربه و نیازهای آن را رفع می‌کند. ما که می‌خواهیم به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کنیم، احتیاج به الگوهای متفاوتی داریم. در حال حاضر، شاید فضای اضطراری اول انقلاب در کشور حکمفرما نباشد. جمهوری اسلامی به یک ثباتی رسیده و ۴۵ سال تجربه دارد. الان ما اوایل گام دوم انقلاب هستیم اما هنوز حس این که باید الگویی متفاوت داشته باشیم را نداریم. **یعنی**



باز هم خیال می‌کنیم یک آدم سالم بیاید سرپرستی این الگوهای غربی را قبول بکند، همه چیز درست می‌شود. و آنقدر مسئولین دچار روزمرگی و بحران هستند که نمی‌توانند جور دیگری به حل مشکلات بیاورند، دوباره همین دانش موجودی که هست تأسی می‌کنند. ما الان دنبال این هستیم که این دانش‌های جایگزین را تولید کنیم. اینکه دانش‌ها را از کجا و با چه جهتی تولید کنیم؟ خدا رو شکر، پروردگار رحمت خودش را شامل حال ما کرد و ما امام و مقام معظم رهبری را درک کرده‌ایم. آن‌ها اجتهادی کردند که واقعا اگر گوش به حرف امامین انقلاب بدهیم، الگوها مثل روز روشن می‌شود. ولی هم تلاش و هم شدت اراده می‌خواهد و هم استقامت نیاز دارد.

کالای بادوام محصول تولید به سبک ۴۳

نظام سرمایه‌داری به خاطر اینکه مردم را روز به روز مصرف‌گراتر کند، به بهانه‌های مختلف تمام کالاهای بادوام را بی‌دوام و تمام کالاهای بی‌دوام را بادوام کرده است. چه زمانی از تاریخ بشر را سراغ دارید که آب میوه می‌تواند بیشتر از یکی دو روز سالم بماند و فاسد نشود؟ با انواع بسته‌بندی‌ها و افزودنی‌ها، آب میوه، شیر، بیسکویت، بستنی و... را بادوام می‌کنند. چرا بادوام می‌کنند؟ زیرا الگوی تولید این ابرشرکت‌ها، به صورت تولید انبوه است چون می‌خواهند به حداکثر تولید برسند که بتوانند از منابع و معادن و نیروی کار ارزان دنیا بهره‌بکشند. از آن طرف، از نظام توزیع گرفته تا مصرف‌کننده نهایی، غصه فاسد شدن را نداشته باشند و بیش از اندازه نیاز بخرند. الگو خرید ما تغییر کرده است. چون شیر در بسته‌بندی تتراپک شش ماه قابلیت نگهداری در بیرون از یخچال دارد، به جای یک بسته، یک باکس شش تایی برمی‌داریم. وقتی الگوی خرید ما اینجور شد یا مصرف می‌شود یا اسراف می‌شود. اگر بخواهیم آینده خودمان را با این نظام تولید و توزیع موجود تصویرگری کنیم، می‌توانیم به همین وضعیت فعلی مصرف‌گرایی آمریکا نگاه کنیم.



«هر روز ارزان‌تر از دیروز» شعار فروشگاه‌های والمارت است که همین شعار، بستری را فراهم نموده که مردم آمریکا را مگا مصرف کرده است. به عنوان مثال سرانه مصرف حوله دستی شخصی در کشور ما چقدر است؟ چقدر طول می‌کشد که یک حوله دستی را عوض کنیم؟ ۸ سال! ۹ سال! ۱۰ سال! **سرانه مصرف حوله دستی در آمریکا، به برکت کاری که والمارت می‌کند، ۲۸ روز است! یعنی هر ۲۸ روز یکبار آمریکایی‌ها یک دونه حوله دستی مصرف می‌کنند. یعنی این ۳۳۰ میلیون جمعیت نزدیک به بیش از ۴ میلیارد حوله دستی در یکسال مصرف می‌کنند. چرا مصرف اینقدر زیاد است؟** به خاطر اینکه امثال والمارت بسته ۲۰ عددی حوله دستی را به قیمت ۲۰ سنت می‌فروشد، در حالیکه یک عدد از همان حوله را ۵۰ سنت عرضه می‌کند. در والمارت قیمت بسته‌های ۲۰ عددی قرص ادویل که یک قرص مسکن است حدود ۸,۹۹ دلار بوده ولی بسته‌های ۱۵۰ تایی با قیمت فقط ۱۱,۹۹ دلار فروش می‌رود. این قرص‌ها سه سال تاریخ انقضا دارد، مگر انسان در طول این مدت چقدر مصرف می‌کند؟ به بهانه اینکه قیمت هر قرص در بسته ۱۵۰ تایی نسبت به قیمت هر قرص در بسته ۲۰ تایی کمتر است، مردم را تحریک به خرید بیشتر و در نتیجه مصرف و یا اسراف بیشتر می‌کنند. دائماً مردم را مگا مصرف می‌کنند. به کشور خودمان نگاه کنید. واقعاً ما در ۱۵ سال پیش این قدر دستمال کاغذی مصرف می‌کردیم؟ شبکه توزیع بسته اقتصادی دستمال کاغذی عرضه کرد تا مصرفش به این حد رسید. ما قبلاً یک جعبه دستمال کاغذی می‌خریدیم، یکسال در اتاق مهمانی بود برای مهمان‌ها! این نظام توزیع و واحدهای تحقیق و توسعه ابرشرکت‌ها کاری می‌کنند که ما بی‌جهت این همه دستمال کاغذی بخریم و این قاعده برای بقیه محصولات دیگر هم صادق است.

رهبری در سال ۹۰ در جمع کارگران، به نکته مهمی و دقیقی در رابطه با کیفیت کالای ایرانی اشاره می‌کنند:

«ما باید کاری کنیم که کالای ایرانی، در نظر مصرف‌کننده ایرانی و غیر



ایرانی، به عنوان یک کالای محکم و مطلوب و زیبا و همراه با سلیقه و با دوام در ذهن مصرف‌کننده باقی بماند. این باید همت مجموعه کارآفرینی و کارگری و متصدیان این امر باید باشد. ایجاد محصول با دوام و زیبا و فاخر، این یک نکته است»^{۱۰}

ایشان تأکید می‌کنند که محصولی که ما در کشور تولید می‌کنیم باید بادوام، محکم و زیبا باشد. اینکه عده‌ای بحث مد را پیش می‌کشند، فقط بهانه‌آوری است. شاید روی ۵ درصد محصولات این حرف منطق داشته باشد. چرا ما وقتی کوله پشتی می‌خریم یا کالاهایی مثل صندلی اداری یا لوازم یدکی تهیه می‌کنیم نباید دوام طولانی مدت داشته باشد؟! آن‌هایی که هم سن من یا مسن تر هستند احتمالاً مزه کالای با کیفیت را بیشتر چشیده‌اند. یک اُورکت آلمانی ده سال تن عموی من بود که پس از شهادتش به من رسید و ده سال دیگر از آن استفاده کردم. این حد از مصرف‌زدگی و اسراف که امروزه جهان را فرا گرفته، فساد فی‌البحر و البر است. در اصل با این وسیله شرکت‌هایشان را قدرتمند می‌کنند و هنگامی که این اتفاق افتاد، می‌توانند سبک زندگی ما را تغییر بدهند.

به نظر من بخشی از بحران معیشتی که در جوامع مختلف مثل جامعه ما هست به خاطر این نحوه مصرف است که بسترش را ابرشرکت‌ها و نظام توزیع امروزی به وجود آورده است.

همین **فروشگاه بزرگ کوثر قم** که توسط یکی از مراکز حوزوی تأسیس شده، آیا واقعاً بار طلبه‌ها را برداشته یا یک بار اضافه کرده است؟ سال ۹۷، به یکی از مسئولین‌شان گفتم اگر واقعاً می‌خواهید هزینه زندگی طلاب را کاهش دهید فقط

^{۱۰} - بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۲/۷



۱۱۰ تا کالاهای اساسی و ضروری را بفروشید^{۱۱} و تنقلات و غیر ضروری‌ها را از قفسه‌ها بردارید. چرا می‌روید همان ساختار و المارت را پیاده می‌کنید؟ فکر نکنید وقتی سر در این فروشگاه بنزید «تحت مدیریت حوزه علمیه» کار درست می‌شود. اگر حوزه علمیه، سپاه، آستان قدس یا سایر نهادهای مذهبی و انقلابی، این الگوها را بیاورند، این الگوی توزیع ماهیت مخرب خود را از دست نمی‌دهد. مسئله اصلی، ساختار و الگو است. مشکل ما تغییر ذهنیت مدیران تصمیم‌گیر و صاحب امضا است که بپذیرند به شکل دیگری هم می‌شود به مسائل نگاه کرد و دائماً نباید به دنبال الگوهای غربی رفت.

ساخت الگوی تولید دینی لازمه مبارزه اقتصادی با استکبار

برای روشن شدن موضوع قصد دارم اتفاق جالبی که در سفر سال قبلم به لبنان داشتم را بیان کنم. تفاوت لبنان با ما این است که در خط مقدم مبارزه با استکبار است و یک سری از وقایع را لمس می‌کند که شاید ما که در روزمرگی افتاده‌ایم درک نکنیم. با کاری که ترامپ ۵ سال پیش انجام داد، ارزش پول ملی لبنان به شدت کاهش یافت و به یک صدم ارزش خود رسید. با مدیرعامل و معاونین جهاد البناء جلسه داشتیم. این سازمان که در واقع ساختاری شبیه جهاد سازندگی خودمان در دهه ۶۰ دارد، به دستور شهید سید حسن نصرالله (رحمه الله علیه) مبنی بر جهاد اقتصادی و کشاورزی تأسیس شده است، آن‌ها از فعالیت‌هایشان برای ما گفتند. من متوجه شدم که چطور آن‌ها الگوی جهاد سازندگی را پیاده کردند و ما چطور آن را از بین برده‌ایم! از بین گزارش‌های آنان، دو موضوع برای من تعجب آور بود؛ یکی اینکه می‌گفتند وضع اقتصادی مردم خراب است و کلاً ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلار

^{۱۱}- حدود ۱۱۰ کالای اساسی داریم که از مواد غذایی ضروری مثل برنج، گوشت و... گرفته تا لوازم شوینده ضروری مثل پودر لباسشویی، شامپو و صابون و... را شامل می‌شوند. معمولاً کالای اساسی به برندهای خاص این مواد گفته نمی‌شود. مثلاً شامپوی کلییر خارجی جز کالای اساسی نیست.



بیشتر درآمد ندارند. فقط دو ساعت در روز برق در منازل وجود دارد و پول آن دو ساعت هم زیر ۲۵۰ دلار نیست. هزینه‌های خوراک بالاست و همه چیز قفل کرده است. به همین دلیل ما ۴۰ فروشگاه تأسیس کردیم که فقط ۱۱۰ تا کالای اساسی و ضروری در آن‌ها عرضه می‌شود. این همان ایده‌هایی بود که از سال ۹۷ داشتم و به مسئولین فروشگاه کوثر گفته بودم. دیدم آنجا برای اینکه بتوانند بار مردم را بردارند، آن را اجرا می‌کنند.

نکته دیگری که برای من شگفت‌آور بود این بود که بسیاری از آن‌ها در روستاها و شهرهای کوچک مثل بقاء و بعلبک خانه‌های وسیع دارند. چون دستور داده بودند که جهاد کشاورزی هم باید بشود، با بذر بومی که از ذخایر ژنتیک سوریه گرفته بودند، در خانه‌هایشان کشاورزی کردند. این نکته جالبی بود که مثل ما نیامده بودند برای این کار بذر هیبریدی عقیم را به بهانه عملکرد بالا به مردم بدهند. مثل همان کاری که ما با زنجیره صنعت مرغ‌مان کردیم را انجام ندادند. این بذر بومی ۱۴ محصول را به وساطت شهید نصرالله از بشار اسد گرفته بودند و بین ۲۵ هزار خانه توزیع کرده بودند. این بذره‌های محلی، عقیم نبودند و دوباره می‌شد از بذر محصول به دست آمده استفاده کرد.

وقتی انسان لمس می‌کند که الآن در موضوعی با استکبار درگیری وجود دارد همینطوری و بی حساب و کتاب الگوهای آن‌ها را اخذ نمی‌کند. **مسئولین، نخبگان و حتی مردم ما باور ندارند که ما الان در جنگ اقتصادی هستیم.** شرکت‌های دانش بنیان ما به دنبال تولید بذر هیبریدی عقیم می‌روند. درحالی‌که بذر هیبریدی، اساساً موجب پدید آمدن استکبار می‌شود. چون کشاورز را وابسته شرکت تولیدکننده بذر می‌نماید. مردم را اجیر این سیستم می‌کند.



نهادهای اغلال زدا	دانش موجود و فناوری‌های متمرکز بزرگ مقیاس	مردمی سازی فناوری
	پتنت و مالکیت فکری	نشر وقف پایه دانش
	سرمایه اولیه و قدرت ریسک سرمایه گذاری	قرض الحسنه، وقف، توزیع اعتبارات به نفع مردم
	انحصار منابع اولیه	توزیع مردمی و به دور از انحصار منابع طبیعی
	تبلیغات، شبکه مشتری	نظام توزیع احسان بنیان، روابط انسانی
	کالبد و شهر سرمایه محور (رانت فضا)	بستر کالبدی سازگار با سبک زندگی اسلامی-ایرانی
	هویت سازی و اعتبار (برند)	هویت انسانی در مصنوعات
	کار تیمی حول مدیریت سرمایه	سازماندهی انگیزش محور
	حذف روابط نابازار	بسط اجتماعی خانه، مقیاس تعارف، نهاد اجتماعی بانوان
	تقویت رانه انگیزشی حرص و طمع	تقویت رانه‌های انگیزشی محبت، ایثار و یاری‌گری
	تولید سرمایه محور روایت (افواکری در جنگ روایت‌ها)	تولید مردم پایه و احسان بنیان روایت (اکاهی بخشی و رشد)
	تأثیر سرمایه بر سیاست و قانون	حکمرانی تفاهم پایه

ساختارهای که منجر به سرپرستی سرمایه بر جامعه می‌شوند.

■ بسترسازی برای رشد مردم از طریق ایجاد نهادهای اغلال زدا

ما دوازده غل و زنجیر را احصاء کردیم که اگر از دست و پای مردم باز بکنیم، مردم می‌توانند به رشد برسند. این اغلال به طور خلاصه در جدول زیر ارائه شده است که در این جلسه به تعدادی از مهم‌ترین اغلال خواهیم پرداخت.

یکی از پر اهمیت‌ترین اغلال که مردم را اسیر خود کرده، دانش موجود در فناوری است. مردم عادی ما دستشان به دانش نمی‌رسد! من ریخته‌گری داشتم. توانستم با تحقیق و آزمون و خطا روگازی‌هایی که برای روی شعله اجاق گاز استفاده می‌شود را با چدن بسازم. اولین تولید کننده بعد از انقلاب این روگازی‌ها بودم، تا قبل از آن وارد می‌شد. توانستم آن را تکنولوژی کنم. شرکت سینجر و آردل که تولید کننده اجاق گاز هستند با من قرارداد نوشتند. فقط یک مشکل وجود داشت؛ این شرکت‌ها از من خواسته بودند که فرآیند پوشش‌دهی (کوئینگ) را خودم انجام بدهم. من تمام بازار را گشتم تا پوشش مناسبی پیدا کنم ولی چیزی نیافتم. به دانشگاه‌های مختلف، همچون شریف و علم و صنعت مراجعه کردم تا بتوانم از علم آن‌ها استفاده کنم، اما نشد که نشد. آن‌ها هم نتوانستند به من



کمک کنند. آن محصول می‌توانست کارخانه من را با ۱۰۰ نفر پرسنل روی پا نگه دارد اما من به عنوان یک تولید کننده صنعتی، در تکنولوژی کوتینگ به مشکل برخوردی بودم. و نتیجتاً سال ۸۲ کارخانه‌ام را تعطیل کردم.

ما در اصل ۴۳ قانون اساسی به صراحت داریم که ساختارهایی را باید ایجاد کنیم که نه به تمرکز و نه به تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی می‌شود. آیا دارد به اصل ۴۳ قانون اساسی عمل می‌شود؟ یا دقیقاً بر خلافش عمل می‌شود؟ خواهش می‌کنم این اصل ۴۳ را دقیق‌تر مطالعه بکنید.

یکی از بندهای این اصل، رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری است. آیا ما الآن حق انتخاب شغل داریم؟ در حال حاضر نیروی انسانی غعال در تاکسی‌های اینترنتی حدود یک و نیم برابر بخش صنعت است. یعنی بخش مولد ما، دارد روز به روز خالی‌تر و خالی‌تر می‌شود. یک ساختارهایی به وجود آمدند طوری مردم را به فشار و استضعاف کشاندند که مردم به روزمرگی افتادند.

بعد از این همه ماجرا، جوانان، فارغ‌التحصیلان و حتی بازنشسته‌هایی که تازه به مرحله‌ای از تجربه رسیده‌اند و می‌توانند در ساختارها فعالیت کنند، همه را دست‌چین کردیم و مشغول جابه‌جایی بین خودمان شدیم. خوشحال هم هستیم که داریم کار می‌کنیم! و با افتخار اعلام می‌کنیم که در تاریخ جمهوری اسلامی سابقه نداشته به نرخ بیکاری ۷ درصد برسیم. حالا مشکلات اشتغال را، الحمدلله، حل شده می‌دانیم. اما واقعیت این است که اکثراً یا در تاکسی‌های اینترنتی مشغول کار هستند یا دنبال خیال‌پردازی در بازارهای مالی، رمزارز، فارکس و امثال آن می‌گردند. وقتی ما نه تنها بسترهای لازم را فراهم نکردیم، بلکه با سیاست‌ها و تصمیم‌هایی عجیب موانع ایجاد کرده‌ایم، آیا در این شرایط کسی واقعاً جرأت می‌کند یا عاقلانه می‌بیند به سمت تولید حرکت کند؟ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه به کشور با تولید محقق می‌شود. ولی تمام کشور درگیر این است که چرا



باید ۸ میلیارد دلار برای واردات قطعات خودرو ارز تخصیص دهیم؟ یعنی تقریباً یک دهم درآمد ایران. چرا چنین هزینه‌ای برای واردات قطعات خودرو وجود دارد؟ با همین استدلال‌ها برخی می‌گویند صنعت خودروسازی را جمع کنیم و به واردات خودروی خارجی و دست دوم روی بیاوریم. اما بیایید نگاهی عمیق‌تر به مسئله داشته باشیم. اگر تصمیم بگیریم صنعت خودروسازی کشور را کنار بگذاریم و به واردات خودروهای دست‌دوم یا خارجی روی بیاوریم، آیا واقعاً مشکلات بنیادین این حوزه حل خواهند شد؟ آیا نقص‌ها و چالش‌های موجود در قطعه‌سازی و تولید داخلی به‌طور کامل برطرف خواهند شد؟ برخی معتقدند که با ایجاد فشار رقابتی و ورود بازیگران خارجی، این صنایع مجبور می‌شوند عملکرد خود را بهبود دهند و در نهایت اصلاح شوند. اما چنین ایده‌هایی، که مبنای مشخصی ندارند، از کجا سرچشمه می‌گیرند و از زبان چه کسانی بیان می‌شوند؟ موضوع حتی جدی‌تر می‌شود زمانی که می‌بینیم مدیرانی جهادی و انقلابی که سال‌ها در مسیر انقلاب تلاش کرده‌اند، چنین دیدگاه‌هایی را مطرح می‌کنند.

اصل ۴۳ قانون اساسی، به‌عنوان یک اصل حیاتی، تأکید بر استقلال اقتصادی و رفع وابستگی به واردات دارد. آیا بهتر نیست به‌جای تسلیم شدن به واردات، با تمرکز بر اصلاحات ساختاری در صنایع داخلی و حمایت هوشمندانه از تولید، ضعف‌ها را شناسایی و رفع کنیم؟

■ ضرورت تبیین مدل‌های اقتصادی اسلامی در برابر مدل‌های غربی و شرقی

امام جمله جالبی دارند که ضرورت تبیین مدل‌های اقتصادی اسلامی را در مقابل مدل‌های غربی و شرقی روشن می‌نمایند:

«این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان



اسلام، طرح‌ها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورند. البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه داری غرب و اشتراکی شرق، بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نیست و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن، چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد، ولی ارائه طرح‌ها و اصولاً تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود.^{۱۲}

ایشان صریحاً وظیفه علما و کارشناسان اسلامی را ارائه طرح‌ها و برنامه‌های کارآمد برای تبیین الگوهای نظام اقتصادی اسلام و جایگزین کردن آن‌ها با نظام اقتصادی سرمایه داری غرب و کمونیستی شرق می‌دانند. طبق بیان امام، الگوهای اقتصادی اسلام به گونه‌ایست که منافع پابرنگان و محرومان را به طور کامل در نظر می‌گیرد. متأسفانه برخی از الگوهای اقتصادی در جامعه ما ارائه می‌شود که عملاً منافع نظام سرمایه داری را برآورده می‌کند. الگوهای اسلامی باید الگوهای

^{۱۲}- صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۲۰، صفحه ۳۴۰

^{۱۳}- خدا نیلور آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند، معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است، تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۲۰،



استکباری را به زمین بزند و در اختیار همه مستضعفین جهان قرار بگیرد. دعای

امام در این رابطه این بود که خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند.^{۱۳}

امام در جای دیگر این نکته را تأکید می‌کنند که هدف عظیم انقلاب، برپایی حکومت جهانی اسلام به پرچمداری حضرت ولیعصر (عج) بوده و اگر مسئولین، بدون توجه به این هدف، فقط به دنبال حل کردن معیشت و اقتصاد مردم باشند، خائن هستند.^{۱۴} این خیلی نکته مهمی است. معنی این حرف امام این هست که راه حل‌هایی که مسئولین باید به دنبال آن باشند تا مشکلات اقتصادی جامعه را حل کنند باید به گونه‌ای باشد که موجب حرکت به سمت برپایی حکومت مهدوی و ساخت جامعه ایمانی باشد. نمی‌شود به بهانه حل کردن مشکلات اقتصادی و معیشتی هر الگویی را پیاده کرد. باید الگویی را ساخت و اجرا کرد که جامعه را به سمت این هدف بزرگ انقلاب جهت دهد.

در همین قم، در موضوع نهضت ملی مسکن، به الگوهایی اسلامی در مسکن‌سازی توجه نشد. در سال ۱۴۰۱ حکم شهید رئیسی را مبنی بر اختصاص زمین به ۱۲۰ هزار واحد مسکونی ثبت‌نام‌کننده در نهضت ملی مسکن در قم دریافت کردیم. ایجاد خانه‌های مولد مدنظر ما بود به همین دلیل می‌گفتیم زمین

^{۱۴} - مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند. صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۲۱، صفحه ۳۲۷



۵۰۰ متری به مردم داده شود نه به شکل زمین‌های ۲۵۰ متری یا ۳۰۰ متری! ابتدا پیشنهاد زمین‌های ۴۰۰ متری مطرح شد، اما معاون وزیر آن را نپذیرفت. مسئولان شهر نیز تأکید کردند: «این اسراف است!» دادن زمین به مردمی که خانه نداشتند و عموماً یا زوج‌های جوان یا جز دهک پایین جامعه بودند را اسراف می‌دانستند. پس از یک هفته، صورت جلسه‌ای با امضای آقای شاهچراغی استاندار وقت قم، و معاون وزیر تنظیم شد و شهید رئیسی دستور اجرای آن را صادر کرد. با این حال، وزیر فعلی مسکن و شهرسازی همراه با یکی از نمایندگان کنونی مجلس قم و سایر مسئولان به شدت مقابل این حکم ایستادند و خواستار لغو آن شدند. **معاون وزیر، که طرفدار طرح اعطای زمین وسیع به خانواده‌ها بود به من می‌گفت: «من اشتباه کردم! گمان می‌کردم اگر از قم شروع کنم، همه علما مرا تحسین خواهند کرد که دارم سبک زندگی اسلامی را ترویج می‌کنم.»**

■ جهت‌دهی به علم و تکنولوژی لازمه تحول در الگوی تولید

موضوع اصلی ما «تولید» است؛ همان تولیدی که مقام معظم رهبری تأکید می‌کنند. یعنی اگر بخواهیم در برابر ابرشرکت‌های جهانی بایستیم، باید ساختار تولید خود را دگرگون کنیم. به عنوان نمونه، در حوزه‌ای مانند مرغ و تخم‌مرغ باید به ساختاری دست یابیم که از درون آن خانواده مدلل تولید نشود، کشتارگاه‌هایی که با احکام اسلامی سازگار نیست شکل نگیرد، نظام توزیع ناعادلانه تولید نشود، وابستگی به شرکت‌ها و کمپانی‌های خارجی ایجاد نشود.

پس اگر می‌خواهیم تولید را متحول کرده و الگوهای اسلامی در تمام عرصه‌ها ایجاد کنیم، باید توجه ویژه‌ای داشته باشیم. توجه به چه؟ به این که الآن ابزار هژمونی جبهه کفر، علم و فناوری است. همین علم و فناوری است که جوانان، پیران، کارشناسان، مهندسان و دکترهای ما را اسیر و مقهور نظام سرمایه‌داری کرده است. اگر بخواهیم کاری کنیم، باید این کار از جنس علم و فناوری باشد. اما



نه علم و تکنولوژی که به نفع ابرشرکت‌ها طراحی شده‌اند. بلکه باید فناوری را به سمتی سوق دهیم که به نفع محرومان و مستضعفان باشد و وابستگی به نظام سرمایه‌داری را قطع کند. چطور؟ با حرکت روی لبه تکنولوژی که اینقدر مورد تأکید آقا است. ولی جهت‌دهی به تکنولوژی و علم و فناوری باید به گونه‌ای باشد که سودش به محرومان برسد است. همان‌گونه که در برابر تهدید ناوهای هواپیمابر آمریکایی، با هزینه نگهداری سالانه یک میلیارد دلار برای هر ناو، با تکیه بر خون شهیدانی چون نادر مهدوی، به فناوری قایق‌های تندرو و اژدرهای پیشرفته دست یافتیم و به قدرت اول بازدارندگی نظامی در جهان تبدیل شدیم. اما آیا ناو هواپیمابر ساخته‌ایم؟ خیر! با تغییر ساختار، سریع‌ترین اژدر جهان را تولید کردیم، یعنی اژدر «حوت» که از سال ۱۳۹۷ تاکنون رونمایی شده و دشمن حتی به گرد پای آن نرسیده است. جالب اینجاست که فناوری آن را آشکارا توضیح دادیم که به صورت حرکت در هوا با ایجاد حباب به جای حرکت در آب است. این نگرش باید در تمامی الگوها گسترش یابد. این الگوی مفهومی، به مسئله پتنت و مالکیت فکری، که امروز جهان را به بهانه «حمایت از نخبگان» در چنگال انحصار گرفته ایراد جدی دارد.

■ حذف پتنت و مالکیت فکری گام اول برای جهت‌دهی علم و تکنولوژی

نظام فعلی علم و فناوری چه می‌کند؟ معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری اسلامی ایران، به یک نخبه می‌گوید که اگر ایده داری، بیا کمکت می‌کنم ایده‌ات را پخته کنی، آن را ثبت تجاری و پتنت کرده و مالکیت فکری‌اش را تضمین می‌کنم. حتی ضمانت فروش و رانت‌های خاص هم به نخبه می‌دهد تا بتواند بار دانش و فناوری کشور را حل کند. ما به این ساختار اصطلاحاً «کارخانه قارون پروری» می‌گوییم. قارونی که می‌گفت: «این ثروت از علم خودم است». پتنت و مالکیت فکری اساساً قارون پروری است. در حالیکه امام خمینی (ره) با نظام مالکیت فکری مخالف بودند. از آقای سیستانی استفتاء کردیم و ایشان پتنت را رد کردند.



مقام معظم رهبری هم تأکید دارند که رفع نیازهای دانشی جامعه فقط با جهاد علمی ممکن است.

در کتاب امالی شیخ صدوق از نبی اکرم (ص) نقل شده است:

«هر مردی که خداوند به او دانشی دهد و او آن را، با این که می‌داند، مخفی نگه دارد، در روز قیامت در حالی که لگامی از آتش بر او زده شده است، خداوند عزّ و جلّ را دیدار کند.»

اما در صفحه اول سایت «کانون پتنت ایران» در تعریف و ضرورت پتنت و مالکیت فکری آمده:

«ابزارهایی مانند سیستم پتنت می‌تواند از ورود بازیگران جدید و بهره‌برداری از دانش و فناوری توسعه‌یافته جلوگیری نماید. اتفاقی که می‌افتد، ایجاد یک مزیت رقابتی پایدار و سپس محافظت از آن از طریق استراتژی‌های مختلف محافظتی (مثل محرمانگی، ثبت اختراع و...) است. به بیان دیگر، فقدان حفاظت از مزیت رقابتی از طریق سیستم پتنت یا سایر ابزارهای مالکیت فکری، می‌تواند این مزیت را به خطر بیندازد.»

یعنی جامعه مطلوب نظام سرمایه‌داری که مبتنی بر آراء آدم اسمیت بنا شده و مدعی است با رقابت همه چیز به تعادل می‌رسد و به ظاهر با انحصارطلبی مخالف است، پس از ۲۷۰ سال نشان داده تمام ساختارها و دانش تولیدشده، نه برای تعادل، بلکه به جهت اداره جهان برای رسیدن به انحصار طراحی شده است.

شهید حسینعلی عظیمی، از مؤسسان جهاد سازندگی، که رحمت خدا بر او باد، می‌گفتند که در «مرکز تحقیقات مهندسی شهید الشریف» جهاد سازندگی، در دوران دفاع مقدس، هفته‌ای و گاهی روزی یک اختراع می‌کردند و هیچ کس به فکر ثبت اختراع نبود. **ایشان اعتقاد داشت که پتنت و ثبت اختراع، مانند آن است که**



به سربازان و بسیجیانی را که آبادان و خرمشهر را آزاد کردند، بگوییم برای اینکه هزینه‌های زندگی‌تان تأمین شود با اسلحه سر هر کوچه آبادان بنشینید و از مردم **باج بگیرید!** ثبت اختراع و تبدیل دانش به ابزاری برای درآمدزایی، دقیقاً همان منطق نادرست است.

■ اغلال‌زدایی از علم و تکنولوژی با ایجاد نهاد تحقیق و توسعه وقف پایه

جایگزین این رویه باید تحقیق و توسعه وقف پایه باشد؛ نظامی که دانش را وقف خدمت به مردم کند نه ابزار انحصارطلبی. ما باید به طراحی خط تولید، پایش و ارتقای کیفیت محصولات تولید کنندگان کوچک مقیاس کمک کنیم. برای رفع نیازهای دانشی واحدهای کوچک مقیاس باید چاره‌اندیشی کرد. وقتی یک واحد کوچک بخواهد تولید کند، به چه نیاز دارد؟ به دانشی ضمنی و نوآوری نیاز دارد، به محتاج است. این‌ها باید در مراکز تحقیق و توسعه‌ای درست شود که متکفل امور فناوری و وکیل مدافع مردم در حوزه دانش باشد و بتواند دانش و فناوری را به رایگان در اختیار مردم قرار دهد.

مسئله جذب نخبگان به این الگوی تحقیق و توسعه وقف محور چطور حل می‌شود؟ ابتدا باید یک گروه نخبه پیشران تشکیل بدهیم که این الگو را باور داشته باشند و حاضر باشند در آن کار کنند.

ما سه چهار سال پیش، تقریباً از ذهنیت نخبگان کشور ناامید شده بودیم و فکر می‌کردیم طرحمان شکست خورده است. اما ناگهان به رگه‌های طلایی برخوردیم، یعنی تعدادی از جوانانی که در حوزه‌های نظامی، دفاعی و دانش‌بنیان فعالیت داشتند. از آن‌ها خواستیم سرریز فناوری خود را بدون توجه به پتنت یا مالکیت فکری، در اختیار ما بگذارند ولی با یک هزینه منصفانه سفارش‌های ما را که برای رفع نیازهای مردم است، حل کنید. خدا را شکر، امروز به انبوهی از این افراد دست یافته‌ایم؛ **کسانی که می‌دانند امام زمان (عج) طرحی جامع برای جهان دارد**



و امثال مقام معظم رهبری، خود را وقف این طرح کرده‌اند؛ ما هم برای برداشتن قدم‌های مؤثر در مسیر تمدن نوین اسلامی، باید به گونه‌ای که می‌توانیم خود را وقف همین الگو کنیم. حالا به عنوان مثال، یکی با مدرک دکترای الکترونیک می‌گوید ماهی دو ساعت بیشتر نمی‌توانم کمک کنم. دیگری تعهد می‌دهد روزی دو ساعت حاضرم وقت بگذارم. یا مثلاً برخی با وجود حقوق ناچیز، تمام وقت پای کار ایستاده‌اند. به همین شکل، روزه‌روز بر شمار نخبگان فداکاری که احساس دین به ایران و امام زمان (عج) دارند، افزوده می‌شود. از همه شما خواهش می‌کنم خواه خودتان، خواه دیگرانی را که می‌شناسید را تا حد امکان به جمع ما بیفزایید. تعداد زیادی از مسائل سر راه تولید در مقیاس مردمی وجود دارد که نیاز است همانطور که گفتم عده‌ای آن را با هزینه منصفانه و به صورت وقف محور رفع کنند. مثل شرکت بهیار صنعت اصفهان.

یک مجموعه دانش بنیان است که هم‌اکنون حدود ۳۰۰ پروژه فناورانه و هایتک را بدون پیش‌پرداخت و کارفرمای خاصی پیش می‌برد. در یکی از دیدارهایی که آقای نوید نجات‌بخش، مدیر و مؤسس این مجموعه، با رهبری داشته، ایشان به آقای نجات‌بخش توصیه می‌کنند که به هر جایی که لبه فناوری جهان است، حمله کنید. به همین دلیل پروژه‌هایی که در این مجموعه پیگیری می‌شود بیشتر هایتک هستند. از ساخت دستگاه رادیوترابی، که ما چهارمین سازنده جهانی آن هستیم، تا تولید جت مسافری هشت نفره و فناوری نیمه‌هادی. این هزار نفری که در آنجا کار می‌کنند، آیا با حقوق‌های ۱۰۰ یا ۲۰۰ میلیونی آنجا مانده‌اند؟ خیر! ایدئولوژی ایثار محور اصلی مجموعه است. نمونه عینی آن خود آقای نوید نجات‌بخش است، که همه می‌دانند ایشان از همه اعضا ایثارگرتز است. مثل مکتب حاج قاسم سلیمانی! خود حاج قاسم از همه ایثارگرتز بود والا امکان نداشت که این همه اراده ایثار حول ایشان جمع بشود و چالش عراق و سوریه را حل کنند. با این حال، چرا در اقتصاد اعتقاد داریم که باید نفع فردی را بیشتر



دید؟ در جامعه اسلامی باید ایثارگرتزین افراد در رأس هرم باشد. برخلاف نظام سرمایه‌داری که کارآفرین، به معنای کسی که می‌تواند بیشتر مردم را برای سود خودش به خط کرده و منابعشان را استثمار کند.

اما اگر قله‌های علم و فناوری توسط جوانان جهادی فتح شود و دانش به رایگان یا با قیمتی منصفانه در اختیار مردم قرار گیرد، می‌توان محصولاتی تولید کرد که از نمونه‌های غربی یک سرگردن بالاتر باشد. چون ما، همان‌گونه که استادمان (ره) تأکید داشت، اعتقاد داریم که اگر شیعه اراده کند، بدون شک می‌تواند بهترین محصولات جهان را تولید کرده و از آلمان و آمریکا هم پیشی بگیرد. این ادعا نه شعار، که مبتنی بر دلایل منطقی است که در جای خود توضیح داده می‌شود.

به عنوان مثال از تجربه خودمان برایتان گزارشی می‌دهم. مثلاً ساک‌های فوق سبک! وزن هر کدام فقط ۵۰ تا ۱۰۰ گرم است. ما قصد داشتیم ساک فوق سبکی تولید کنیم که دوام و کیفیت بالایی داشته باشد. یک دانشجوی جهادی رشته نساجی در دانشگاه صنعتی اصفهان را پیدا کردیم که پارچه‌ای طراحی کرده بود که فوق‌العاده نازک و سبک بود و تحمل ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلو بار را داشت. همان چیزی بود که می‌خواستیم. من فکر می‌کردم ممکن است قیمت بالایی داشته باشد و اصلاً صرفه اقتصادی نداشته باشد. اما متوجه شدم قیمت تمام‌شده آن به اندازه پارچه‌های بی کیفیت چینی است که وارد می‌شود. **این یعنی اگر ایستادگی کنیم، خداوند هم لایحتسب روزی را می‌فرستد. فقط کافی است یک عده پیش‌تاز بیایند و در ابتدای کار مسائل دانشی و تکنولوژیکی را حل کنند.**

نظام سرمایه‌داری هم امروز دیگر صرفاً بر تولید کالاهای بی‌دوام متمرکز نیست. برخلاف گذشته که کالاهای بادوام را عمداً به شکلی بی‌دوام تولید می‌کردند تا چرخ کارخانه‌ها بچرخد، اکنون روندی جدید در حال شکل‌گیری است. در کشورهایی مانند آمریکا، آلمان و ژاپن شاهد تولید محصولاتی با گارانتی‌های بلند مدت

هستیم. مثلاً کوله‌پشتی تولید می‌شود با ۳۰ سال ضمانت یا مبلمان با ۲۰ سال گارانتی. و حتی محصولات با ضمانت ۱۰۰ ساله و مادام‌العمر وجود دارد.

■ تولید به سبک ۴۳ یعنی تولید کالاهای بادوام نوآورانه به وسیله کارگاه‌های تولیدی کوچک مقیاس و خانوادگی

پس الگوی مفهومی که به تولید کالای بادوام و کالایی که با ضرب در فناوری تولید شده، پیردازد، می‌تواند مزیت رقابتی برای واحدهای تولیدی کوچک مقیاس ایجاد کند و آن‌ها را بر تمام واحدهای بزرگ مقیاس و ابرشرکت‌ها غلبه دهد. واحد تولیدی کوچک مقیاسی که تابع توسعه کوثری باشد و نه تکاثری. آیت الله جوادی آملی یک اصطلاحی دارند که با لفظ توسعه کوثری و توسعه تکاثری بیان می‌کنند. توسعه کوثری زمانی است که انسان برای دائم افزایش سود فرد دیگر، اجیر او نشود. انسان حریت و آزادگی‌اش در کار حفظ شود. توسعه تکاثری عکس آن است و الگوی فعلی واحدهای تولید بزرگ مقیاس و متمرکز که تعداد زیادی نیروی کار اجیر شده دارند، مدل عینیت یافته این نوع توسعه هستند. در اسلام هیچ کسی حق ندارد اجیر فرد دیگر شود. بنابراین الگوی تولید اسلامی به گونه‌ایست که نیروی کار اجیر نباشد. به همین دلیل یکی از مؤلفه‌های الگوی مطلوب ما در موضوع روابط تولیدی، تغییر مدل تولید بزرگ مقیاس متمرکز به الگوی تولید کارگاه‌های کوچک مقیاس غیر متمرکز است.

از آنجایی که خانواده در جامعه اسلامی و مطابق قانون اساسی سلول تشکیل دهنده جامعه است^{۱۵} و استفاده از نیروی کار خانواده موجب روابط نابازار و مبتنی بر محبت می‌گردد، بنابراین نوع روابط تولیدی باید بر مبنای تقویت خانواده باشد.

^{۱۵} اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.



در نهایت می‌توان الگوی مطلوب مناسبات تولیدی را در یک جمله خلاصه نمود و آن اینکه مناسبات تولیدی مطلوب عبارت است از کارگاه‌های تولیدی کوچک مقیاس، خانواده محور، با تولید محصولات فناورانه و با کیفیت که به صورت کارآمدی شبکه‌سازی شده‌اند.

۳۷ درصد از ساعت‌سازی سوئیس در مقیاس‌های خانگی تولید می‌شود. می‌خواهم بگویم با کیفیت‌ترین کالاها اینطور نیست که در کارخانه‌ها و در مدل تولید انبوه^{۱۶} به دست بیاید. کیفیت در واحدهای کوچک مقیاس شکل می‌گیرد. اتفاقاً در مقیاس بزرگ، امکان تولید باکیفیت وجود ندارد! در کارخانه‌های بزرگ، کیفیت را مثلاً به ۷۰ درصد می‌رسانند تا قیمت را پایین بیاورند. ذهنیت بسیاری از ما و مسئولین این است که تولید در کوچک مقیاس و یا تولیدات خانگی نمی‌توانند کیفیت را تضمین کنند. نمی‌توانند کالاهای فناورانه و صنعتی متنوع تولید کنند. در حال حاضر اگر لیست مشاغلی که ذیل عنوان مشاغل خانگی تعریف کرده‌اند را نگاه کنید، اغلب صنایع دستی و رب گوجه خانگی و از این دست محصولات را مشاهده می‌کنند. از بین این ۶۷۰ تا شغل که در مشاغل خانگی آمده است تولید هیچ محصول هایتک یا صنعتی مثل قطعات یدکی یا لوازم الکترونیک نمی‌بینید. این مشاغل طوری طراحی نشده‌اند که مایحتاج کشور را تأمین کند. طبق آماری که مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۱ منتشر کرد، نزدیک به ۷۸ درصد ارزش افزوده‌ای که در مشاغل خانگی ایجاد می‌شود، متعلق به پوشاک، صنایع دستی مثل فرش و فراوری مواد غذایی است. درحالی که ۹۵ درصد محصولات دنیا، امکان کوچک سازی دارند. هر گروه کالایی کد آیسیک (ISIC) دارد که تعداد این کدها حدود ۱۳۰ هزار گروه کالایی است. هر گروه کالایی دارای تنوع زیادی از محصولات است. این همه محصول وجود دارد که قابلیت کوچک سازی دارد فقط کافی است نگاهمان



را بازتر کنیم. مثلاً محصولی مثل دکمه را تصور کنید که کل حجم تولیدش حداکثر ۴ میلیارد تومان در سال است. هیچ کارخانه بزرگی حاضر به تولید چنین کالایی نیست؛ چرا؟ چون این یک نیچ مارکت است و بازاری بسیار محدود و تخصصی دارد. ما همه دکمه مورد نیاز کشور را از چین وارد می‌کنیم. این کالاها می‌تواند در مقیاس کوچک صرفه اقتصادی برای خانواده ایجاد کند و کاملاً توجیه‌پذیر باشد.

همین الآن در چین، بیشتر کالاهای صنعتی در واحدهای زیر ۷ نفر تولید می‌شود که معمولاً در پلتفرم تائو باؤ فروش می‌رود. تائو باؤ یک پلتفرم فروش چینی است که توسط علی‌بابا از ۲۰۰۳ تأسیس شده و با مذاکره‌ای که دولت چین با این شرکت کرد، قرار شد از سال ۲۰۱۲ مأموریت خود را ایجاد فضای فروش مناسب برای تولیدکنندگان کوچک مقیاس چینی قرار دهد. هدف دولت چین فقر زدایی از کشور بود، با تحول در یک متغیر بزرگ اقتصادی به نام نظام توزیع، مناسبات تولیدی در چین را متحول کرد. الآن روستاهایی در چین وجود دارد که با عنوان روستاهای تائو باؤ شناخته می‌شوند. در این روستاها حداقل ۱۰ درصد از خانواده‌های روستایی به تجارت آنلاین مشغول هستند یا ۱۰۰ فروشگاه آنلاین در تائو باؤ توسط روستاییان افتتاح شده است. حداقل تراکنش سالانه این روستاها حدود بیش از ۱۰ میلیون یوان (۱٫۶ میلیون دلار) است. طبق گزارش بانک جهانی در نوامبر ۲۰۱۸، تعداد روستاهای تائو باؤ از ۲۰ روستا در سال ۲۰۱۳ به ۳۲۰۲ روستا در سال ۲۰۱۸ رسیده است. یعنی طی ۵ سال حدود ۱۶۰ برابر شده است.^{۱۷} در سال ۲۰۱۷، ۹۵٫۸ درصد از روستاهای تائو باؤ متعهد شدند که درصد مشخصی از سود را به موسسات خیریه اهدا کنند. برخی از تجار آنلاین نیز با اصلاح جاده‌ها، کمک به سالمندان و کمک به محرومان، مبلغ مشخصی را پرداخت کردند. تائو باؤ هیچ کمیسیونی نمی‌گرفت و ۸۰ درصد درآمدش از تبلیغات بوده است.

<https://blogs.worldbank.org/eastasiapacific/china-s-taobao-villages-e-commerce-one-way-bring-new-jobs-and-business-opportunities-rural-areas> -۱۷



ما می‌توانیم بسیاری از تولیدات صنعتی را با فناوری ضرب کنیم و یک محصولی تولید کنیم که منطق کارکردش فرق کند اما کارآمدی هم داشته باشد. مثلاً باورتان می‌شود ما ماهی بیش از ۵۰ تا ۱۰۰ کانتیر فقط فلاسک پلاستیکی احمد وارد می‌کنیم! فقط شیشه داخلی فلاسک منحصرراً در چین تولید می‌شود. ما می‌توانیم با ضرب این فلاسک با فناوری آبروژل که داریم فلاسک‌هایی درست کنیم که تا ۷۲ ساعت آب را جوش نگه دارد و دیگر از شیشه آن بی‌نیاز شویم.

اصلی‌ترین چالش‌های اجرایی الگوی تولید به سبک ۴۳

یعنی ابتدا باید ببینیم با چه حجمی از فرصت‌ها برای واحدهای کوچک مقیاس روبه‌رو هستیم. این واحدها برای موفقیت به دو یا سه چیز کلیدی نیاز دارند. مهم‌ترین نیازشان دانش است، یعنی باید یک نهضت دانشی واقعی راه بیفتد که حامی کوچک مقیاس‌ها باشد؛ نه مثل آنچه در معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری انجام می‌شود! وقتی با مسئولان این نهادها در رابطه با تولید کوچک مقیاس صحبت می‌کنیم، به تمسخر می‌گویند که شما می‌خواهید توسعه پاکستانی ایجاد کنید، می‌خواهید جنس بُنجل تولید کنید، ما با این الگو نمی‌توانیم کار کنیم.

باید یک جریان مستقل شکل بگیرد که متکفل حمایت علمی از تولیدکنندگان خُرد شود.

دومین چالش که بزرگترین چالش است بازار و فروش است. طبق قانون اساسی، حکمران وظیفه دارد برای تولیدکنندگان خُرد (کوچک مقیاس، خانگی و...) بستر و زمینه فروش را به شکل رایگان فراهم کند. حتی در قانون تصریح شده که باید تمهیداتی اتخاذ شود تا هزینه‌های نمایشگاه‌ها و محل‌های عرضه پوشش داده شود. اما در عمل چه می‌بینیم؟ فروش یک متر موزاییک مغازه را با قیمت‌های سرسام‌آور می‌دهند. قیمت ملک تجاری بسیار بالاست. این نحوه



عرضه متناسب با تولیدکننده کوچک مقیاس نیست.

در چین، آقای شی جین پینگ هنگامی که در سال ۲۰۱۲ رئیس‌جمهور شد، هدف‌گذاری کرد که در عرض ۸ سال، ۱۰۰ میلیون فقیر مطلق چینی را از فقر نجات بدهد. طرح او ساخت خانه‌های مولدی بود که یک بخش آن برای سکونت، یک بخش برای کشاورزی معیشتی و یک بخش برای کارگاه‌های کوچک مقیاس است. اما تولیدات این کارگاه‌های کوچک نیاز به نظام توزیع خاص خودش را داشت. با مذاکره‌ای که دولت چین با شرکت علی‌بابا داشت موجب تأسیس پلتفرم فروش تائوبائو شد که فقط منحصر بر عرضه محصولات تولید کنندگان کوچک بود. تائوبائو کمیسیون نمی‌گرفت، در عوض مشمول معافیت مالیاتی شد. با این راهبردها، دولت چین در جشن صدمین سالگرد حزب کمونیست چین، اعلام کرد ۱۰۰ میلیون فقیر مطلق نجات یافته‌اند و هدف بعدی را نجات ۵۰۰ میلیون نفر از فقر مطلق تا پایان ۲۰۲۵ و برگزاری جشن فقرزدایی گذاشت. رئیس‌جمهور چین فقط بستر تولید و فروش را فراهم کرد و مابقی را به مردم سپرد.

در حال حاضر، یک میلیارد کد کالایی در تائوبائو وجود دارد، در حالیکه دیجی کالا ۸۰۵ میلیون کد کالایی را عرضه می‌کند. علاوه بر این در سال ۲۰۲۴ فروش تائوبائو از چین فراتر رفت و به ۱۳ کشور دیگر راه یافت. حالا شما ببینید چه جهشی در تولید ایجاد می‌شود.

نکته مهمی که باید در انتها بگویم این است که وقتی قرار است ریل تولید را به سمت تولید کوچک مقیاس تغییر دهیم باید بدانیم که متغیرهای متفاوتی وجود دارد. راهبرد ما باید این باشد که همه جانبه نگاه کنیم و همه مؤلفه‌ها را ببینیم. نمی‌شود فقط نظام توزیع متناسب برای کوچک مقیاس‌ها تولید کنیم. دانش متناسب تولید در فضای کوچک هم باید تولید شود. فناوری متناسب هم باید تولید شود. خدمت دیگری که دولت چین ارائه می‌دهد و یکی از دوستان که به آنجا رفته بود تعریف کرد این بود که هر کسی بخواهد محصولی را تولید کند تمام



دانش فنی و مهارتی لازم را مجانی به او اعطا می‌کند.

همانطور که قبلاً گفتیم این واحدهای تولیدی کوچک زمانی درست عمل می‌کنند که با هم شبکه بشوند. اینکه چگونه زنجیره تأمین متناسب با کوچک مقیاس درست شود هم نکته مهمی است. روستاهای تائوبائو نمونه این شبکه‌سازی هستند. تائوبائو علاوه بر رونق دادن به کارگاه‌های تولیدی کوچک موجب ایجاد کسب و کارهای جانبی همچون عکاسان محصول، طراحان گرافیک، ارائه‌دهندگان تدارکات، بسته‌بندی و حمل و نقل محصولات شده است. به طوریکه در روستاهای تائوبائو یک زنجیره ارزش نسبتاً کامل کسب و کار تشکیل می‌شود.

ما اعتقاد داریم نوع خاصی از تعاونی که مردمی باشد و توسط خود تولیدکنندگان کوچک مقیاس یک منطقه ایجاد شود، راهبردی درستی برای شبکه‌سازی است. در الگوی ما، این تعاونی‌های مردم‌پایه شرح وظایفی دارند که در جدول زیر آمده است.

در نهایت نکته‌ای که وجود دارد این است که این تعاونی‌ها نباید آنقدر بزرگ شود که خودش تبدیل به یک ابرشرکت شود. تعاونی موندراگون اسپانیا مورد نظر ما نیست. مقیاس تعاونی مطلوب ما، مقیاس تعارف است. یعنی همه اعضای تعاونی همدیگر را می‌شناسند. چون این شناخت و ارتباط موجب ایجاد بستر محبت و اخوت می‌شود.

این تعاونی‌ها فناورانه مردم‌پایه دائماً از تحقیق و توسعه وقف محور خدمات فنی و تکنولوژیک می‌گیرند. مراکزی مثل آستان قدس یا نهادهای حاکمیتی مثل بنیاد مستضعفان و... باید در جایگاه نشر وقف پایه علم نقش آفرینی کنند.

فردای روز خاکسپاری شهید حاج قاسم سلیمانی، مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم به مناسبت واقعه ۱۹ دی ۱۳۵۶، سخنانی را بیان نمودند که جالب توجه است، مخصوصاً با توجه به اینکه این سخنرانی در آن شرایط عاطفی شهادت حاج قاسم ایراد شد و همه مردم می‌خواستند بدانند که موضع رهبری در رابطه با شهادت شهید سلیمانی و قاتل ایشان چیست. ایشان در این سخنرانی به نکته خیلی مهمی اشاره می‌کنند که در واقع قاتل حاج قاسم همین کمپانی‌های بزرگ و غارتگران دنیا هستند که این شهید بزرگوار جلوی منافعشان ایستاد. رهبری می‌فرمایند: «دشمن را بشناسیم. من این را به طور قاطع می‌گویم: دشمن عبارت است از آمریکا، رژیم صهیونیستی و دستگاه استکبار؛ دستگاه استکبار فقط آمریکانیست، فقط دولت‌ها نیستند؛ یک مجموعه‌ای از کمپانی‌ها و غارتگران دنیا و ستمکاران دنیا و مانند این‌ها [هستند] که با هر مرکزی که با ستم و غارتگری مخالف باشد مخالفند؛ دشمن این‌ها هستند.» ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

